Supreme National Defense University Quarterly Journal of Strategic Management Research in National Defense

https://issk.sndu.ac.ir E-ISSN: 2980-8219

Vol. 10, No. 2, Issue. 38, Summer 2026 **Received:** 2025/04/16 **Accepted:** 2026/02/25

Research paper

The Nature of Management Style from the Perspective of the Qur'an

Mohammad-Bagher Babaei Talatapeh
Associate Professor, Imam Hossein Comprehensive University, Tehran, Iran.
Email: malib937@gmail.com

Abstract

The present study was conducted with the aim of elucidating the nature of management style from the perspective of the Qur'an. Following a comprehensive examination of the Qur'an as the entire corpus of the study and validation against Al-Mizan and Tafsir Tasnim, using an inductive jurisprudential reasoning approach, the management style was designated as "Revelatory Knowledge." The component of "knowledge" reflects the definitional nature of this style and its commonality with other management styles, whereas "revelatory" explains its distinctive characteristic and serves as the differentiating dimension of this style from other management approaches. Management styles influence the approach adopted toward others by shaping their cognitive, value-based, methodological, and character-related dimensions through guidance and direction. In the Revelatory Knowledge style, these dimensions are grounded in a monotheistic orientation, piety and moderation, the Straight Path, and the character of those who have received divine favor. Its managerial propositions are grounded in the Qur'an, as well as the conduct and traditions of the Infallible Imams. The contrasting style is identified as "Egoistic Despotism," in which managerial propositions are selected on the basis of the goals pursued and the means deemed effective for achieving them. Through such methods as threat, inducement, humiliation, and alienation, individuals are compelled to act and obey.

Keywords: Qur'an; Revelatory Knowledge; Egoistic Despotism; Management Style; Guidance

فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی
سال دهم، شماره دوم (پیاپی ۳۸)، تابستان ۱۴۰۵، صص. ۶۹-۱۲۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۷ ـ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۶
مقاله پژوهشی

چیستی سبک مدیریت از منظر قرآن

محمدباقر بابایی طلاتپه
دانشیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران
Email: malib937@gmail.com

چکیده

مقاله با هدف تبیین سبک مدیریت از منظر قرآن تنظیم شده است که بعد از مراجعه به قرآن (جامعه آماری- تمام شمار) و اعتبارسنجی با المیزان و تسنیم به روش اجتهاد استقرایی، عنوان سبک «دانایی وحیانی» برای آن انتخاب شد. مؤلفه «دانایی» حاکی از جنس تعریف و اشتراک آن با سایر سبک‌های مدیریت و مؤلفه «وحیانی» وجه تمایز این سبک را از سایر سبک‌ها تبیین کرده و در حکم فصل آن است. سبک‌های مدیریت برای به‌کارگیری دیگران، رویکرد آن‌ها را با هدایت و جهت‌دهی بخش‌های بینشی، ارزشی، روشی و منشی تحت تأثیر قرار می‌دهند. ماهیت این مؤلفه‌ها در سبک دانایی وحیانه از نوع توحیدی، تقوایی (تعادل)، صراط مستقیم و منش منعمین (صراط الذین انعمت علیهم) بوده و گزاره‌های مدیریتی آن مستند به قرآن، سیره و سنت معصومین (علیهم‌السلام) است. سبک مقابل آن سبک «استبداد نفسانی» است که گزاره‌های مدیریتی آن بر پایه هدف و ابزارهای اثرگذار در دستیابی به آن انتخاب می‌شود و از روش‌های تهدید، تطمیع، استخفاف (کوچک بینی) و استسباع (خودبیگانگی) دیگران را وادار به عمل و اطاعت می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: قرآن، دانایی وحیانی، استبداد نفسانی، سبک مدیریت، هدایت

صحت مطالب بر عهده نویسنده مقاله است و بیانگر دیدگاه دانشگاه عالی دفاع ملی نیست.

مقدمه

تأثیر سبک مدیریت در بهره‌وری و اثربخشی و کارایی سازمانی امروزه بر کسی پوشیده نیست تا جایی که این تأثیر براساس گزارش گالوپ در سال ۲۰۲۱ نشان داد که چیزی در حدود ۷۰ درصد موفقیت یا عدم موفقیت سازمان‌ها به سبک مدیریت و سازمان‌دهی مدیران مربوط می‌شود؛ سبک‌های ضعیف پیامدهای منفی عمده‌ای برای سازمان ببار می‌آورند تا جایی‌که منجر به بهره‌وری ضعیف، افزایش استرس کارمندان و نگرش‌های منفی در محل کار می‌شود (سامچی[1]، ۲۰۲۲).

این اهمیت باعث شده که هر روز بر دامنه تعداد، انواع و تقسیم بندهای سبک‌ها از نظرگاه‌های مختلف افزوده شود (کاوامو‌تو[2]، ۲۰۲۲). در ادبیات مدیریت از سبک‌های گوناگونی مانند مقتدرانه، متقاعدکننده، پدرانه، مشورتی، همکارانه، تحول‌آفرین، مربیگری، تفویضی، رؤیایی، پیشرو، خودکامه، پیوند دهنده، عدم مداخله، دمکراتیک، پیشتاز، الهام‌بخش، استراتژیک، چشم‌انداز گرا و اقناع‌کننده یاد شده و تقسیمات متعددی نیز از آن‌ها صورت گرفته است مانند تقسیم سه وجهی (خودکامه، دموکراتیک و آزادانه)، (آدریو[3]، ۲۰۲۳). چهاروجهی (رؤیایی، تحول‌آفرین، دمکراتیک و مربیگری)، (کلیفورد[4]، ۲۰۲۱). نه وجهی (خودکامه، متقاعدکننده، پدرانه، دمکراتیک، مشورتی، تحول‌آفرین، آزادانه، رؤیایی و منصفانه)، (مارتینز[5]، ۲۰۲۳) و وجوه دیگر تقسیم می‌کنند.

حال سؤال اصلی این است که با توجه به اهمیت و اثرگذاری سبک‌های مدیریت در رشد و توسعه فردی، اجتماعی و سازمانی حتی جهانی، قرآن چه سبکی را توصیه می‌کند؟ به عبارتی مدیران در عرصه‌های فردی و اجتماعی از منظر قرآن با چه سبک و روشی می‌توانند موفق عمل کرده و رضایت الهی را کسب کنند؟

1. Sam Chia Khong
2. Kawamoto
3. Ivan Andreev
4. Clifford Chi
5. Julia Martins

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. قرآن

قرآن معجزه جاودانه پیامبر رحمت صلی‌الله‌علیه‌و آله برای هدایت همه انسان‌ها است (سبأ: ۲۸) تنها کتابی است که هیچ نوع انحراف و اعوجاجی ندارد (زمر: ۲۸، طه: ۱۰۷ و کهف: ۱) تنها کتابی است که اگر همه موجودات غیر از خدا جمع شوند نمی‌توانند یک سوره مانند آن بیاورند (بقره: ۲۳ و ۲۴، یونس: ۳۸ و هود: ۱۳) تنها کتابی است که آدمی را به مرتبه انسانی می‌رساند (الرحمن: ۱-۳) تنها کتابی است که هدایتی محکم‌تر و راسخ‌تر از هدایت‌های آن یافت نمی‌شود. «إِنَّ هذَا الْقُرْآنَ یهْدِی لِلَّتِی هِی أَقْوَمُ» (الإسراء: ۹) و تنها کتابی است که با بیان مفهومی و مصداقی «أُولئِک الَّذِینَ هَدَی اللَّهُ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ» (الأنعام: ۹۰) الگوی جامع از امامت و مدیریت را معرفی می‌کند (احزاب: ۲۱ و ممتحنه: ۴ و ۶) و تنها کتابی است که مرامنامه آن پذیرفته شده (آل عمران: ۸۵) و انسان‌ها را از مشکلات رهانیده (طه: ۱۲۴) و جامعه را سالم نگه می‌دارد (نحل: ۹۷) و مدیران برای رهایی از مشکلات جوامع راهی جزء عمل به برنامه‌ها و دستورالعمل‌های آن ندارند «فَإِذَا الْتَبَسَتْ عَلَیکمُ الْفِتَنُ کقِطَعِ اللَّیلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَیکمْ بِالْقُرْآنِ» (الکافی، ج ۲، ص ۵۹۹).

۱-۲. آموزه‌های مدیریتی قرآن

در فرهنگ قرآنی شرط اعمال ولایت و مدیریت دارای دو بخش حصولی و تحصیلی است و بخش حصولی با خلقت آدمی در ذات و فطرت او نهاده شده و «خَلْقَهُ» در آیه ۵۰ سوره طه و «فطرت» در آیه ۳۰ سوره روم اشاره به آن دارد و «ثُمَّ هَدَی» در آیه ۵۰ سوره طه و «هدیناه» در آیه ۳۰ سوره دهر و ۱۰ سوره بلد اشاره به بخش تحصیلی آن دارد. ولایتی که خداوند مدیریتش را از طریق ارسال پیامبران و تعیین اولیای الهی و ائمه معصومین محقق می‌سازد (جوادی آملی،۱۳۷۸، ص ۲۴۹) و آیین‌نامه و آموزه‌های این مدیریت را از طریق ارسال کتب آسمانی به ودیعت گذاشته است (انسان: ۳). خداوند در این آیین‌نامه‌ها و آموزه‌ها تمام نیازمندهای فکری و عملی برای دستیابی به مقام عبودیت و بندگی را بیان و تبیین نموده

است (انعام: ۵۹ و نحل: ۸۹) قرآن نمونه کامل، آخری و بدون اعوجاج و بدون تحریف لفظی آن است (کهف: ۱ و حجر: ۹). آموزه‌های مدیریتی قرآن از یک طرف طوری بیان شده است که بهتر و مقوم‌تر از آن متصور ناست (اسراء: ۹) تا آدمی با عمل به آن به مقام و جایگاهی برسد که برای آن خلق شده است؛ از نگاه قرآن برای آدمی کاملاً روشن و شفاف است (بقره: ۲۵۸) که چه راهی را انتخاب و چگونه آن را بپیماید (مزمل: ۱۹ و انسان: ۲۹) و مؤمن توفیق آن را همواره از خدا می‌خواهد «اللّهُمّ فَرِّغْنِی لِمَا خَلَقْتَنِی لَهُ» (بحار الأنوار، ج ۹۲: ص ۴۰۶) از طرف دیگر قرآن افرادی که با موفقیت توانسته‌اند این مسیر را طی نمایند معرفی کرده است (أنعام: ۹۰) مانند حضرت ابراهیم(ص) (ممتحنة: ۴) پیامبر اسلام (ص) (احزاب: ۲۱) آسیه زن فرعون (تحریم: ۱۱) و حضرت مریم (تحریم: ۱۲) تا امکان دستیابی به این مقام را نشان داده و هر نوع عذر و بهانه راه‌یابی و دستیابی به هدف خلقت را از بین ببرد (مجمع‌البحرین، ج ۲، ص ۴۰۶) ازاین‌رو تنها مشکل به خود آدمی برمی‌شود که راه و مسیر صحیح و چگونگی مشق و پیمایش آن را انتخاب نمی‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۱۲: ۴۶۹). بی‌شک در سبک مدیریتی این‌ها و همچنین پیامبران خصوصیت خاصی است که خداوند متعال به تبعیت از سبک آنان دستور می‌دهد «بهداهم اقتده» تا بدان پایبند باشیم (حشر: ۲) چراکه نوع سبک، پیروان را بهشتی (بقره: ۲۲۱) یا جهنمی (هود: ۹۸) می‌کند.

۱-۳. سبک

واژه سبک در لغت‌نامه فارسی به معانی گداختن و قالب‌گیری طلا و نقره، نوع، روش، شیوه انجام کاری، مد، عادت و رسوم به‌کاررفته است؛ ادبای قرن اخیر سبک را مجازاً به معنی «طرز خاصی از نظم یا نثر» استعمال کرده‌اند و تقریباً آن را در برابر «استایل» اروپاییان نهاده‌اند. در اصطلاح آنان سبک، روش خاص ادراک و بیان افکار بوسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر است. سبک اثر ادبی وجهه خاصی از لحاظ صورت و معنی القا می‌کند و بنوبه خویش وابسته بطرز تفکر گوینده یا نویسنده درباره «حقیقت» است (دهخدا، واژه سبک). معادل واژه سبک در زبان عربی «اسلوب و سیره» به معنای روش خاص برای بیان

مطالب یا روش خاصی برای انجام عملی مانند تفسیر را گویند که برای آن قواعد و اصول خاصی حاکم است و سعی می‌کنند همواره آن را در عمل رعایت کنند؛ مانند: «و لقد اتخذ فی تفسیر القرآن الکریم منهاجا خاصا»، ففسر القرآن وفق اسلوب أهل الحدیث (حاشیهٔ الوافی (للبهبهانی): ۸۷) یعنی در تفسیر قرآن روش خاصی داشت و قرآن را مطابق سبک و اسلوب اهل حدیث تفسیر می‌کرد؛ مانند مقوله تعالی: «من ماء دافق» فهو علی أسلوب لأهل الحجاز (المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر؛ ج ۲:۱۹۷) یعنی کلام خدا «من ماء دافق» بر پایه اسلوب و روش اهل حجاز بیان شده است. بنابراین با توجه به گسترهٔ به‌کارگیری سبک و معنای آن، تعریف آن را روشی خاص برای تهییج و متقاعد ساختن دیگران برای به‌کارگیری در امور خاص می‌توان در نظر گرفت.

۱-۴. مدیریت

مدیریت، نوعی کار و تلاش است که از ناحیه مدیران برای اداره سازمان در جایگاه‌های مختلف صورت می‌گیرد و این‌که هر جایگاه در سطوح مختلف مدیریت، رفتار مناسب و مهارت‌های خاصی می‌طلبد به‌طوری‌که مدیران سطوح بالا با داشتن مهارت‌های ادراکی، تعیین و تبیین فعالیت‌های درست، زمینه لازم را برای انجام درست فعالیت‌ها برای سطوح پایین فراهم می‌کنند تا آن‌ها با درست انجام دادن وظایف و کارها سازمان را به کارایی و اثربخشی لازم برسانند. از طرف دیگر براساس علوم رفتاری، رفتارهای انسان بر دو پایه فکری و ارزشی شکل می‌گیرد و چهارچوب و هویت آن را مشخص می‌سازد بنابراین در تعریف مدیریت می‌توان گفت: «رشد فردی و توسعهٔ سازمانی مبتنی بر مبانی فکری و ارزشی برخاسته از آموزه‌های عقل عملی و نظری» (بابائی، ۱۳۹۹)

۱-۵. سبک مدیریت

سبک در عرصه مدیریت به معنای شیوه و روش انجام امورات مدیریتی است که به‌تناسب شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی و اعتقادات، ارزش‌ها و باورهای مدیران انتخاب می‌شود.

مثلاً وقتی خداوند متعال حضرت موسی و هارون را برای مقابله با فرعون می‌فرستد؛ به آن‌ها گوشزد می‌کند که چگونه با او سخن گویند و حتی نوع گویش و چگونگی آن را نیز با دلیل بیان می‌کند که با سبک ملایم با او سخن گویند که شاید متذکر شده و بترسد و هدایت شود (طه:۴۳-۴۷).

همین رویه و سبک مدیریت را در کلام امیرالمؤمنین(ع) نیز می‌بینیم که وقتی عبداللّه‌بن‌عباس را برای گفت‌وگو با خوارج فرستاد فرمود: با آنان با قرآن به مناظره برنخیز، چراکه قرآن تحمل معانی گوناگون دارد، تو چیزی از قرآن می‌گویی آنان چیز دیگر، ولی با کمک سنّت پیامبر صلّی‌اللّه‌علیه‌وآله با آنان احتجاج کن که در برابر آن جز پذیرش گریزی ندارند «لاَ تُخَاصِمْهُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنّ اَلْقُرْآنَ حَمّالٌ ذُو وُجُوهٍ ...» (ابن ابی الحدید: نامه ۷۷).

چون مدیریت از جنس رفتار و عملکرد بوده و جهت، ساختار و اصول می‌طلبد، ازاین‌رو وقتی از سبک، سخن به میان می‌آید منظور پایبندی به اصول و ساختاری است که به رفتارها و عملکردهای مدیر جهت می‌دهد و روش خاصی را بیان می‌کند که مدیران برای دستیابی به اهداف دنبال می‌کنند که شامل نحوه تصمیم‌گیری آن‌ها، نحوه برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی کار و نحوه اعمال اختیار آن‌ها می‌شود (آندرو، ۲۰۲۳). مثلاً وقتی حضرت ابراهیم علیه‌السلام با بت‌پرستی قومش مواجه شد و نصایح او تأثیری در عملکرد آن‌ها نگذاشت اعلام بیزاری و ترک روابط تا ابد از آن‌ها کرد مگر این‌که توبه کرده و ایمان آورند (ممتحنۀ: ۴) و سپس با شکستن بت‌ها به غیر از بت بزرگ آن‌ها را به تفکر و اندیشه واداشت تا ضعف اعتقاد آن‌ها را به رخشان بکشد (الانبیا: ۶۳).

بنابراین مراد از سبک مدیریت، چگونگی انجام وظایف برای دستیابی به اهداف توسط مدیران و رهبران است؛ یعنی انجام وظایف برای دستیابی به اهداف توسط مدیران مدیریت و چگونگی انجام سبک مدیریت خواهد بر مبنای تعریف فوق رشد فردی و توسعۀ سازمانی مدیریت و چگونگی رشد فردی و توسعۀ سازمانی سبک مدیریت خواهد بود.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهش محقق گویایی این حقیقت شد که تاکنون درخصوص سبک مدیریت از منظر قرآن‌پژوهشی در داخل و خارج صورت نگرفته و یا این‌که گزارشی از آن نشده است و از دسترس ما خارج است و از این نکته نباید غافل شد که در مورد مدیریت، اصول، وظایف و چگونگی آن در عرصه‌های مختلف از نگاه قرآن و روایات پژوهش‌های شده است که به تعدادی در جدول زیر اشاره خواهد شد؛ ولی با وجود غنای پژوهش‌های موجود در حوزه اصول و وظایف مدیریت اسلامی، خلأ یک مطالعه نظام‌مند که با روشی استنباطی و با تمرکز برترکیب مفاهیم کلیدی قرآن مانند ولایت، امامت، هدایت و صراط به استخراج یک سبک یا الگوی جامع مدیریت بپردازد به‌وضوح احساس می‌شود. مقالهٔ حاضر به لطف و مدد الهی درصدد این است که با روش اجتهاد استقرایی این خلأ را پُر کند.

جدول ۱: پیشینه تحقیق

عنوان تحقیق	نویسندگان	محل انتشار	سال انتشار	چکیده و یافته‌های کلیدی
عقلانیتِ وحیانی در فرایند تصمیم‌گیری با تمرکز بر اندیشه علامه جوادی آملی	عبدالمومن حکیمی و همکاران	دو فصلنامه پژوهشی معارج	۱۴۰۳	در اندیشه آیت‌الله جوادی آملی تصمیم‌گیری عقلائی وحیانی در اسلام توصیه شده است که فرایند شناسایی و ارزیابی بر پایه معیارهای عقلانی کارایی، اثربخشی، فایده و هزینه و معیارهای وحیانی عدالت، اخلاق و انطباق با ارزش‌های اسلامی و انتخاب بهترین گزینه بر پایه معیارهای عقلانی و وحیانی و اجرا و نظارت توصیه می‌شود
طراحی الگوی مدیریت اسلامی براساس سوره یوسف (ع)	رمضانی و همکاران	فصلنامه پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۵، شماره ۴	۱۳۹۰	این پژوهش با تحلیل داستان حضرت یوسف (ع)، مؤلفه‌های مدیریت اسلامی را استخراج کرده است. یافته‌های کلیدی: عدالت محوری، مشورت، برنامه‌ریزی، بصیرت، امانت‌داری، پایداری و استفاده از نیروی انسانی

عنوان تحقیق	نویسندگان	محل انتشار	سال انتشار	چکیده و یافته‌های کلیدی
				توانمند، ارکان اصلی این مدل هستند.
الگوی مدیریت راهبردی مبتنی بر سوره یوسف (ع)	محمدباقر بابائی طلاتپه	فصلنامه مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی	۱۴۰۳	راهبرد کلان الگو «مبارزه با بت‌پرستی و مظاهر شرک از طریق رشد و ابلاغ رسالت و پیامبری» است و هدف اصلی آن گسترش توحیدمداری و پاک‌سازی مظاهر فکری و عملی بت‌پرستی و برده‌داری در مصر است و از اقناع‌سازی مدیران عرصه میدان گرفته تا تبیین افق نظارت دقیق، کمک و پشتیبانی مستمر، متنبه‌سازی و مصلحت‌اندیشی و اعمال آن استفاده می‌شود.
تبیین مؤلفه‌های رهبری از منظر قرآن کریم با تأکید بر روش تفسیر المیزان	سبزواری و همکاران	فصلنامه مدیریت اسلامی، سال ۲۲، شماره ۲	۱۳۹۳	این تحقیق با اتکا به تفسیر المیزان، مؤلفه‌های رهبری قرآنی را استنباط کرده است. یافته‌های کلیدی: ایمان و تقوا، علم و حکمت، عدالت، شورا، صبر و استقامت و اخلاص، مؤلفه‌های بنیادین رهبری از نگاه قرآن هستند.
ارائه مدل رهبری اخلاق مدار در قرآن و نهج‌البلاغه	محمدی و همکاران	فصلنامه اخلاق، دوره ۵، شماره ۱۷	۱۳۹۴	این پژوهش به بررسی شاخص‌های رهبری اخلاق مدار در منابع اسلامی پرداخته است. یافته‌های کلیدی: صداقت، امانتداری، عدالت، تواضع، وفاداری و شجاعت اخلاقی، محورهای اصلی رهبری اخلاقی هستند.
مبانی مدیریت از دیدگاه قرآن	الوانی و همکاران	تهران: انتشارات سروش	۱۳۸۹	این کتاب به‌عنوان یک منبع جامع، اصول و وظایف مدیریت (برنامه‌ریزی، سازمان‌دِهی، رهبری، کنترل) را با استناد به آیات قرآن تحلیل می‌کند. یافته کلیدی: مدیریت قرآنی یک سامانه یکپارچه ارزشی است که تمامی وظایف مدیر را تحت تأثیر قرار

عنوان تحقیق	نویسندگان	محل انتشار	سال انتشار	چکیده و یافته‌های کلیدی
				می‌دهد.
بررسی تطبیقی سبک رهبری خدمتگزار با سبک رهبری در سیره امام علی (ع)	دانایی‌فرد و همکاران	دانشور رفتار، سال پانزدهم، شماره ۳۴	۱۳۸۷	این مقاله به مقایسه سبک رهبری خدمتگزار (غربی) با سیره عملی امام علی (ع) پرداخته است. یافته کلیدی: سبک رهبری حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه نه‌تنها با اصول رهبری خدمتگزار هم‌خوانی دارد، بلکه از نظر عمق معنوی و تعهد اخلاقی فراتر و کامل‌تر است.
طراحی الگوی رهبری مبتنی بر سیره مدیریتی پیامبر اکرم (ص) در مدینه	پایان‌نامه دکتری	دانشگاه تهران، دانشکده مدیریت	۱۳۹۵	این رساله با مطالعه سیره پیامبر (ص) در مدینه، یک الگوی رهبری طراحی کرده است. یافته‌های کلیدی: رهبری بر پایه ایمان، ایجاد اخوت و وحدت، عدالت اجتماعی، مشورت، عفو و گذشت همراه با قاطعیت، از مؤلفه‌های اصلی این الگو هستند.
Islamic Perspective of Leadership in Management; Foundation, Traits and Principles	Md. Abu Issa Gazi	International Journal of Management and Accounting	2020	دانش رهبری از منظر اسلامی برای درک مدیریت صحیح در هر بخش، به‌ویژه برای عملکرد سازمان، بهبود برای بشریت و موفقیت در دنیا و آخرت، حیاتی است. رهبری در اسلام ریشه در ایمان و تسلیم خواسته شده در برابر آفریدگار، الله، دارد. مفهوم اصلی رهبری اسلامی، هدایت برای دستیابی به اهداف سازمانی و رقابت برای پیشگام بودن و جست‌وجوی رضایت الله و موفقیت در آخرت است.
Leadership in Islam: A Spiritual and heological Doctrine	Mohammad Eisa Ruhullah University of Malaya	FIKROH Jurnal Pemikiran dan Pendidikan Islam	2025	این مقاله بر تأثیر هوش معنوی بر رهبری و حکمرانی سیاسی تأکید می‌ورزد و به چالش‌هایی همچون شمولیت بین سنت‌های مختلف مذهبی و سنجش کیفیت‌های

عنوان تحقیق	نویسندگان	محل انتشار	سال انتشار	چکیده و یافته‌های کلیدی
				ناملموسی مانند هوش معنوی (الفَهْم الرّوحی) می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که ادغام هوش معنوی در فرایند تصمیم‌گیری سیاسی که توسط اصول اسلامی (مَبادیِ إسلامیهٔ) مانند تقوای الهی (تَقْوی)، توکل به خدا (تَوَکّل)، مشورت (شُورا) و عدالت (عَدْل) هدایت می‌شود، فرایندهای سیاسی را ارتقا می‌بخشد؛ و قابلیت هوش معنوی را در پرورش سیاستمداران تأثیرگذار از طریق معنویت دینی (السِیاسیُ الصالِح بالرّوحانیهٔ الدِینیهٔ) برجسته می‌سازد.
An Islamic Model of Leadership: The Leader as a Shepherd	Ahmad, K	Humanomics	2009	نویسنده با استناد به متون اسلامی، مدل «رهبر-چوپان» را ارائه می‌دهد. در این مدل، رهبر مسئولیت کامل و دلسوزانه نسبت به پیروان خود دارد، دقیقاً همان‌طور که چوپان نسبت به گله خود مسئول است.

۳. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش از نوع بنیادی و روش آن اجتهاد استقرایی است. این روش مقابل روش استدلالی و قیاسی قرار دارد (واسطی: ۱۳۹۹: ۲۲۴)؛ این روش توسط اساتید تفسیر مانند علامه طباطبائی و جوادی آملی و دیگران استفاده می‌شود و در تفسیر قرآن بدان پایبند بوده و هستند (طباطبائی، ۱۳۹۳ ق، ج ۱).

در این روش ابتدا قرآن مطالعه کلی شده و تمام آیاتی که تناسب با موضوع دارد استخراج می‌شود و سپس با قرار دادن آیات در کنار هم با توجه به دلالت‌های مفهومی کلمات آیات، سیاق و شأن نزول آن‌ها دلالت و مفهوم کلی دریافت و برای تبیین موضوع مورد نظر مورد

استفاده قرار می‌گیرد؛ مثلاً وقتی آیاتی را که صراط در آن به‌کاررفته است، کنار هم قرار می‌دهیم و سیاق آیات دیگر و روایات را مورد توجه قرار می‌دهیم به این نتیجه می‌رسیم که هدف عالی پیامبران هدایت و مدیریت مردم به اذن الهی از طریق صراط مستقیم به‌سوی خداست (ابراهیم: ۱) که تنها تمنای مؤمنان از خدا نیز در نماز است (حمد: ۶) که یک راه بیشتر متصور نیست (آل عمران: ۱۰۱)؛ چون انسان همسان دین و برنامه الهی یک نسخه واحد بیش نیست (آل عمران: ۱۹) و مقصود از آن سبک راه یافتگانی است (حمد: ۷) که توانستند استعدادهای ذاتی را شکوفا سازند (خطبه: ۱) که تنها با داشتن جهت توحیدی در تمام افعال فردی و سازمانی میسر است (مریم: ۳۶، یس ۶۱ و مومنون: ۷۳) که الگوی عینی آنان پیامبران و ائمه علیهم‌السلام هستند (احزاب: ۲۱ و ممتحنه: ۴) و مهم‌ترین هدف شیطان نیز اغوای انسان از طی این مسیر است (اعراف: ۱۶) آدمی امروزه و هر زمان دیگر با الگو قراردادن پیامبر رحمت صلی‌الله‌علیه‌و آله (الحجر: ۴۱) در بیان و بنان و امیرالمؤمنین علیه‌السلام (مائده: ۶ و ۶۷) و ولی‌فقیه زمان (نساء: ۵۹، نور: ۶۲) می‌تواند به سلامت این مسیر را طی کند (جوادی آملی، ۱۳۷۸: ۱۵)

فرایندی که در فهم سبک مدیریت از منظر قرآن براساس روش تحلیل اجتهاد استقرایی طی شد به‌صورت زیر انجام شد:

۱. تعیین موضوع، شناخت مسئله و مؤلفه‌های سبک مدیریت مانند امام، تدبیر، ولایت، هدایت، راه، الگو، تبعیت، کنترل، اصلاح امور و برخورد با مردم؛

۲. واژه‌های متناظر این مفاهیم با مراجعه به کتب لغت احصا شد که در این تحقیق ۱۱ واژه اصلی زیر است:

کلیدواژه	دبر	ولی	هدی	امام	صراط	سبیل	زیّن	سلطان	اسوه	قدم	طاع
گزاره‌ها	۲۶	۳۹۳	۲۴۷	۸	۴۵	۱۵۶	۷۰	۳۷	۳	۳۹	۱۵

۳. مطالعه قرآن و استخراج آیاتی که دلالت مفهومی بر مدیریت داشتند.

۴. اعتبارسنجی با تفسیر آیات از نگاه المیزان و تسنیم؛

۵. استخراج روایاتی که به فهم آیات کمک می‌کنند به‌ویژه نهج‌البلاغه؛

۶. ترکیب مفاهیم استخراجی از آیات؛

۷. تدوین گزارش‌ترکیب و تحلیل.

تعداد آیات کلیدواژه‌های اصلی ۱۰۴۴ آیه شد که پراکندگی و فراوانی آن‌ها در جدول زیر قابل مشاهده است.

دلالت هر یک از واژه‌ها بعد از استخراج با استفاده از نرم‌افزار تفسیر نورالانوار ۴ و مطالعه کلی آن‌ها با توجه به تفاسیر المیزان و تسنیم به‌صورت زیر دسته‌بندی شد.

واژه صراط

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت سبک
(الفاتحة: ۶)	الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ	درخواست و تمنای راه صراط مستقیم	درخواست	سبک وحیانی
(الفاتحة: ۷)	صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيهِمْ	مصداق صراط مستقیم	نعمت داده شدگان	ارزش وحیانی
(البقرة: ۱۴۲) (البقرة: ۲۱۳) (النساء: ۶۸) (النساء: ۱۷۵) (المائدة: ۱۶) (الأنعام: ۳۹) (الأنعام: ۸۷) (یونس: ۲۵) (الحج: ۵۴) (النور: ۴۶) (الصافات: ۱۱۸) (الفتح: ۲) (الفتح: ۲۰) (هود: ۵۶)	وَ لَهَدَينَاهُمْ، وَ اللّهُ يهْدِى مَنْ يشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ	(الله) هادی به صراط مستقیم	مدیریت و هدایت بر پایه آموزه‌های الهی	راهبرد وحیانی
(آل‌عمران: ۵۱) (الأنعام: ۱۲۶) (الأنعام: ۱۵۳) (الأنعام: ۱۶۱) (طه: ۱۳۵) (المؤمنون: ۷۳) (سبأ: ۶) (یس: ۴) (الشوری: ۵۲) (الزخرف: ۴۳) (الأعراف: ۸۶) (الحجر: ۴۱)	إِنّک لَتَدْعُوهُمْ، الّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ، إِنّک لَتَهْدِى، إِنّ رَبّى عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيم، إِنّک عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، لَا تَقْعُدُوا، هذا صِرَاطٌ عَلَى مُسْتَقِيمٌ	پیامبر، عالمان، پروردگار، پیامبر مصداق راه، دقت در انتخاب راه،	مصادیق سبک	منش وحیانی
(آل‌عمران: ۱۰۱) (النحل: ۱۲۱)	مَنْ يعْتَصِمْ بِاللّهِ فَقَدْ هُدِى إِلَى صِرَاطٍ	اعتصام به حبل الهی، شکر نعمت،	ابزار سبک	راهبرد وحیانی

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت سبک
(مریم: ۳۶) (مریم: ۴۳) (الحج: ۲۴) (یس: ۶۱) (ص: ۲۲) (الفتح: ۲) (الزخرف: ۶۴) (الزخرف: ۶۱)	مُسْتَقِیم، شَاکِراً لِأَنْعُمِه، فَاعْبُدُوه، فَاتّبِعُنِی، الطّیبِ مِنَ الْقَوْلِ، لِیغْفِرَ لَک اللّهُ مَا تَقَدّمَ مِنْ ذَنبِک وَ مَا تَأَخّرَ وَ یتِمّ نِعْمَتَهُ عَلَیک وَ یهْدِیک.، أَنِ اعْبُدُونِی، فَاحْکُمْ بَینَنَا بِالْحَقّ وَ لَا تُشْطِطْ، فَاعْبُدُوه، إِنّهُ لَعِلْمٌ لِلسّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنّ بِهَا وَ اتّبِعُونِ	عبادت خدا، اطاعت الهی، کلام نیکو، عبادت خدا، هدایت الهی، قضاوت عادلانه، علم به قیامت و تبعیت از پیامبر		
(الأنعام: ۱۶۱) (الشوری: ۵۳)	دِینًا قِیمًا مِلّةَ إِبْرَاهِیمَ حَنِیفًا، صِرَاطِ اللّهِ الّذِی	آیین ابراهیمی، توصیف صراط	آیین سبک	بینش وحیانی
(الأعراف: ۱۶) (النحل: ۷۶)	لَأَقْعُدَنّ لَهُمْ	ایجاد مانع	هدف سبک	راهبرد نفسانی
(إبراهیم: ۱) (نحل: ۷۶)	لِتُخْرِجَ النّاسَ مِنَ الظّلُمَاتِ إِلَی النّورِ، مَنْ یأْمُرُ بِالْعَدْلِ	خروج از ظلمات، عدالت‌خواهی	هدف سبک	هدف سبک
(المؤمنون: ۷۴) (یس: ۶۶) (الصافات: ۲۳)	عَنِ الصّرَاطِ لَنَاکِبُونَ	منحرفین از صراط مستقیم	مصادیق سبک نفسانی	مصادیق نفسانی

واژه دَبِرَ

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
(النساء: ۸۲)	فَلَا یتَدَبّرُونَ	کتاب قرآن	ابزار و محتوای بینش	بینش وحیانی
(الأنفال: ۱۶)	دُبُرَهُ	پایبندی به سبک	استقامت	راهبرد وحیانی

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
(التوبة (البراءَة): ۲۵)	مُدْبِرِينَ	اعتماد به نصرت الهی	نصرت الهی	ارزش وحیانی
(یونس: ۳) (یونس: ۳۱) (الرعد: ۲) (یوسف: ۲۵) (یوسف: ۲۷) (یوسف: ۲۸) (الأنبياء: ۵۷) (المؤمنون: ۶۸) (النمل: ۱۰) (النمل: ۸۰) (القصص: ۳۱) (الروم: ۵۲) (السجده: ۵) (الصافات: ۹۰) (ص: ۲۹) (غافر (المؤمن): ۳۳) (القمر: ۴۵) (المعارج: ۱۷) (محمد: ۲۴) (المدثر: ۲۳) (المدثر: ۳۳) (النازعات: ۲۲) (النازعات: ۵)	يدبّرُ الْأَمْرَ، مِنْ دُبُرٍ، مُدْبِرِينَ، أَفَلَمْ يدّبّرُوا، وَلّى مُدْبِراً، يدّبّرُوا، أَفَلَا يتَدّبّرُونَ، الدّبُر، أَدْبَرَ، فَالْمُدبّرَاتِ	عرصه‌های دانایی	مراتب دانایی	بینش وحیانی

واژه وَلِیَ: این واژه ۳۹۳ بار در قرآن باترکیبات مختلف به‌کاررفته است که ۱۸۹ مورد آن‌ها «اولئک» است ازاین‌رو واژه‌های از آن انتخاب شد و در این جا ارائه می‌شود که بیانگر محتوای و ارکان سبک مدیریت از منظر قرآن است.

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
(البقرة: ۶۴) (البقرة: ۸۳) (العنكبوت: ۲۲) (السجده: ۴)	تَوَلّيتُم، مِنْ وَلِی،	سرپرستی	لطف الهی	راهبرد وحیانی
(البقرة: ۱۰۷) (البقرة: ۱۲۰) (البقرة: ۱۴۸) (آل‌عمران: ۶۸) (النساء: ۵۹)	وَلِی، فَوَلّوا، لِكلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلّيهَا، وَلِی الْمُؤْمِنِينَ، أُولِی الْأَمْرِ مِنكمْ،	ولایت، نیکوکاری	ولایت الهی	الگوی وحیانی
(البقرة: ۲۰۵)	تَوَلّی	کنترل	فساد	الگوی استبدادی
(البقرة: ۲۵۷) (آل‌عمران: ۱۲۲) (النساء: ۴۵) (النساء: ۷۵) (النساء: ۸۹) (النساء: ۱۷۳) (المائدة: ۵۵) (الأنعام: ۵۱) (الأنعام: ۷۰) (الأنعام:	اللّهُ وَلِی الّذِينَ، وَلِيا، وَلِيكمُ اللّهُ، هُوَ وَلِيهُمْ، إِنّ أَوْلِياءَ اللّهِ، مَوْلَی الّذِينَ آمَنُوا،	سرپرستی	ولایت الهی	الگوی وحیانی

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
۱۲۷) (الأعراف: ۹۳) (الأعراف: ۱۹۶) (الأنفال: ۷۲) (التوبة: ۷۱) (یونس: ۶۲) (یوسف: ۸۴) (الإسراء (بنی إسرائیل): ۱۱۱) (الکهف: ۲۶) (الأحزاب: ۱۷) (الأحزاب: ۶۵) (الشوری: ۸) (الشوری: ۹) (الشوری: ۲۸) (الشوری: ۳۱) (الجاثیة: ۱۹) (محمد: ۱۱) (الفتح: ۲۲)				
(آل‌عمران: ۲۳) آل‌عمران: ۲۸) (آل‌عمران: ۸۲) (آل‌عمران: ۱۷۵) (النساء: ۸۳) (النساء: ۱۱۹) (النساء: ۱۳۹) (النساء: ۱۴۴) (المائدة: ۵۷) (المائدة: ۸۱) (الأنعام: ۱۴) (الأعراف: ۷۹) (مریم: ۴۵) (طه: ۶۰) (النور: ۱۱) (النور: ۴۷) (الشوری: ۴۴) (محمد: ۲۲) (النجم: ۲۹) (القیامة: ۳۲) (الغاشیة: ۲۳)	یتَوَلّی، اوْلیاءَ، وَلّی، وَلْیاءَهُ، فَتَوَلّی عَنْهُمْ، فَتَوَلّی، تَوَلّی، تَوَلّیتُمْ	سرپرستی نفسانی	ولایت شیطانی	الگوی استبدادی

واژه هدی

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
(البقرة: ۲) (البقرة: ۵) (البقرة: ۹۷) (البقره ۱۲۰:) (البقرة: ۱۴۲) (البقرة: ۱۴۳) (البقرة: ۱۸۵) (البقرة: ۲۱۳) (البقرة: ۲۵۸) (البقرة: ۲۶۴) (البقرة: ۲۷۲) (آل‌عمران: ۸) (آل‌عمران: ۷۳) (آل‌عمران: ۸۶) (آل‌عمران: ۹۶) (آل‌عمران: ۱۰۱) (آل‌عمران: ۱۳۸) (النساء: ۶۸) (النساء: ۱۳۷) (النساء: ۱۶۸) (المائدة: ۱۶) (المائدة: ۴۴ و ۴۶) (المائدة: ۵۱) (المائدة: ۶۷) (الأعراف: ۵۲) (الأعراف:	هُدًی، مُهْتَدِینَ، یهْدِی بِهِ، هُدَای، هُدَی اللّه، یهْدِی، لَا یهْدِی، هَدَیتَنَا، یهْدِیکمْ، لَا لِیهْدِیهُمْ، تَهْدِی،	هدایت	هدایت الهی	راهبری وحیانی

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
۱۵۴) (الأعراف: ۱۵۵) (الأعراف: ۲۰۳) (التوبة (البراءَة): ۳۳) (الحج: ۱۶)				
(البقرة: ۱۶) (البقرة: ۱۵۹) (البقرة: ۱۷۵) (النساء: ۵۱) (الأنعام: ۷۱) (الأعراف: ۳۰) (الأعراف: ۱۹۸)	بِالْهُدَى، الْهُدَى، أَهْدَى، الْهُدَى، هَدى،	هدایت	هدایت نفسانی	راهبری نفسانی
(المائدة: ۱۰۸) (الأنعام: ۸۴) (الأنعام: ۸۷) (الأنعام: ۸۸) (الأنعام: ۹۰) (الأنعام: ۹۱) (الأنعام: ۱۲۵) (الأنعام: ۱۴۴) (الأنعام: ۱۵۴) (الرعد: ۲۷) (الحج: ۶۷) (طه: ۱۲۲) (مریم: ۵۸) (الأنعام: ۱۵۷) (الأعراف: ۱۴۸) (یونس: ۴۳) (یوسف: ۱۱۱) (العنکبوت: ۶۹) (الشوری: ۱۳) (الملک: ۲۲)	هَدَينَا، هَدَينَاهُمْ، أن ﷲ يهْدِيهُ، مَنْ أَنَابَ، فَتَابَ عَلَيهِ وَ هَدَى، إِنّک لَعَلَى هُدًى مُسْتَقِيمٍ، الّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا، يهْدِى إِلَيهِ مَنْ ينِيبُ،	هدایت	هدایت یافتگان	راهبری وحیانی
(التوبة (البراءَة): ۳۷) (التوبة (البراءَة): ۱۷) (التوبة (البراءَة): ۱۹) (التوبة (البراءَة): ۲۴) (التوبة (البراءَة): ۳۷) (یونس: ۴۳) (یوسف: ۵۲) (النحل: ۳۷) (النحل: ۳۶)الکهف: ۵۷) (طه: ۷۹) (الزمر: ۳) (غافر (المؤمن): ۲۸) (الزخرف: ۴۰) (الأحقاف: ۱۰) (الصف: ۵) (الصف: ۷) (الجمعة: ۵) (المنافقون: ۶)	وَ اللّهُ لَا يهْدِى الْقَوْمَ الْكافِرِينَ، الْقَوْمَ الظّالِمِينَ، الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ، أ فَأَنتَ تَهْدِى الْعُمْى، كيدَ الْخَائنِينَ، مَنْ يضِلّ، الْمُكذّبِينَ، مَنْ أَظْلَمُ مِمّنْ ذُكرَ بِآيات رَبّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَ نَسِى مَا قَدّمَتْ يداهُ، كاذبٌ كفّارٌ، مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كذّابٌ،	نوع هدایت	راه نایافتگان	راهبری وحیانی
(یونس: ۹) (یونس: ۵۷) (إبراهیم: ۴) (النحل: ۸۹) (الإسراء (بنی إسرائیل): ۹) (طه: ۱۲۳) (النور: ۳۵) (السجده: ۲۳) (الشوری: ۵۲)	يهْدِيهِمْ رَبّهُمْ بِإِيمَانِه، مَوْعِظَةٌ، مِنْ رَسُولٍ، وَ نَزّلْنَا عَلَيک الْكتَابَ، إِنّ هذَا الْقُرْآنَ، فَإِمّا يأْتِينّكمْ مِنّى هُدًى، يهْدِى اللّهُ لِنُورِه،	ابزار هدایت	راهبری	راهبرد وحیانی

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
(یونس: ۳۵) (الفتح: ۲۰)	لَهُ یهْدِی لِلْحَقِّ، یهْدِیکمْ صِرَاطًا مُسْتَقِیمًا،	مسیر هدایت	راهبری	روش وحیانی
(مریم: ۷۶) (محمد: ۱۷) الإنسان (الدّهر): ۳) (البلد: ۱۰) (طه: ۵۰)	یزِیدُ اللّهُ الّذِینَ اهْتَدَوْا هُدًی، زَادَهُمْ هُدًی، إِنّا هَدَینَاهُ السّبِیلَ إِمّا شَاکِرًا وَ إِمّا کفُورًا، وَ هَدَینَاهُ النّجْدَینِ، رَبّنَا الّذِی أَعْطَی کلّ شَیءٍ خَلْقَهُ ثُمّ هَدَی	نوع هدایت	هدایت پاداشی هدایت تکوینی هدایت اختیاری	انواع راهبری
(الشعراء: ۶۲) (الشعراء: ۷۸) (القصص: ۲۲) (القصص: ۵۶) (الأحزاب: ۴) (الصافات: ۹۹) (الأعلی: ۳) (الضحی: ۷)	سَیهْدِینِ، الّذِی خَلَقَنِی فَهُوَ یهْدِینِ، عَسَی رَبِّی أَنْ یهْدِینِی، إِنّک لَا تَهْدِی مَنْ أَحْبَبْتَ، هُوَ یهْدِی السّبِیلَ، رَبِّی سَیهْدِینِ، الّذِی قَدّرَ فَهَدَی، وَجَدَک ضَالًّا فَهَدَی	هادی	راهبر	رهبر راهبری

واژه امام

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
(البقرة: ۱۲۴)	إِمَامًا	امتحان	انتصابی	راهبری
(هود: ۱۷)	إِمَامًا، أَ فَمَنْ کانَ عَلَی بَینَةٍ مِنْ رَبِّهِ وَ یتْلُوهُ شَاهِدٌ مِنْهُ وَ مِنْ قَبْلِهِ کتَابُ،	دلیل امامت	نشانه‌های امامت	راهبرد
(البقرة: ۱۲۴) (یس: ۱۲)	لَا ینَالُ عَهْدِی الظّالِمِینَ، فِی إِمَامٍ	انتخابی، حضور کلی، خواست	شرایط امامت	ارزش‌ها

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
(الفرقان: ۷۴)	مُبِینٍ، إِمَامًا	عمومی		
(الإسراء: ۷۱)	یوْمَ نَدْعُو کلّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ	امام راستین	انواع امامت	نوع راهبری
(الأحقاف: ۱۲)	مِنْ قَبْلِه کتَابُ مُوسَی إِمَامًا وَ رَحْمَةً وَ هذَا کتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِیا	تصدیق‌گری	شرط امامت	راهبری

واژه سبیل

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
(البقرة: ۱۰۸) (البقرة: ۲۱۷) (آل‌عمران: ۹۹) (النساء: ۴۴) (النساء: ۸۴) (النساء: ۱۱۵) (النساء: ۱۴۳) (النساء: ۱۶۰) (النساء: ۱۵۰) (النساء: ۱۶۷) (المائدة: ۱۲) (المائدة: ۶۰) (الأنعام: ۱۱۶) (الأنعام: ۱۱۷) (الأعراف: ۴۵) (الأعراف: ۸۶) (الأنفال: ۳۶) (الأنفال: ۴۷) (التوبة (البراءَة): ۳۴) (التوبة: ۳۸) (هود: ۱۹) (الرعد: ۳۳) (إبراهیم: ۳) (النحل: ۸۸) (النحل: ۹۴) (الإسراء: ۷۲) (الحج: ۲۵) (الفرقان: ۳۴) (الفرقان: ۴۴) (القصص: ۲۲) (لقمان: ۶) (الأحزاب: ۶۷) (ص: ۲۶) (الزمر: ۸) (الزخرف: ۳۷) (محمد: ۱) (محمد: ۳۲) (محمد: ۳۴) (النجم: ۳۰) (القلم: ۷)	سَوَاءَ السّبِیلِ، عَنْ سَبِیلِ اللّهِ	راه غیرخدا	نفسانی	راهبرد نفسانی
(البقرة: ۱۵۴) (البقرة: ۱۹۰) (البقرة: ۱۹۵) (البقرة: ۲۴۶) (آل‌عمران: ۱۳) (النساء: ۷۶) (المائدة: ۳۵) (الأنفال: ۷۲) (الأنفال: ۷۴) (التوبة (البراءَة): ۲۰) (الأحزاب: ۴) (الحجرات: ۱۵) (الصف: ۱۱) (المنافقون: ۲)	فِی سَبِیلِ اللّهِ	راه خدا	اخلاص	راهبرد وحیانی
(البقرة: ۲۱۸) (البقرة: ۲۴۴) (البقرة: ۲۶۱) (البقرة: ۲۶۲) (البقرة: ۲۷۳) آل‌عمران: ۱۴۶) (آل‌عمران: ۱۵۷) (آل‌عمران: ۱۶۷) (آل‌عمران: ۱۶۹) (النساء: ۷۵) (آل‌عمران: ۱۹۵) (النساء: ۷۴) (النساء: ۸۹) (النساء:	...	مخلصین	راهبران وحیانی	الگوها

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
۹۴)(النساء: ۱۰۰) (الأنفال: ۶۰) (إبراهیم: ۳۰) (محمد: ۴) (الصف: ۴)				
(النساء: ۹۵) (المائدة: ۵۴) (التوبة (البراءَة): ۴۱) (التوبه: ۶۰) (التوبة: ۸۱) (التوبة: ۱۱۱) (الحج: ۵۸) (النور: ۲۲) (الفرقان: ۵۷) (محمد: ۳۸) (الحدید: ۱۰)	لَا یسْتَوِی الْقَاعِدُونَ،	برتری مخلصین	انگیزه	ارزش
(الإنسان (الدّهر): ۳)	إِنّا هَدَینَاهُ السّبِیلَ	نفاوت	اختیار	راهبری

واژه زیّن

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
(البقرة: ۲۱۲) (الأنعام: ۱۰۸)	زُینَ، ینّا	تزیین امور	انگیزه کاذب	راهبرد نفسانی
(آل‌عمران: ۱۴) (الکهف: ۴۶)	حُبّ الشّهَوَاتِ مِنَ النّسَاءِ وَ الْبَنِینَ وَ الْقَنَاطِیرِ الْمُقَنطَرَةِ مِنَ الذّهَبِ وَ الْفِضّةِ وَ الْخَیلِ الْمُسَوّمَةِ وَ الْأَنْعَامِ وَ الْحَرْثِ، الْمَالُ وَ الْبَنُونَ،	تزیین امور	مصادیق انگیزه‌های کاذب	راهبری نفسانی
(الأنعام: ۴۳) (الأنفال: ۴۸) (الحجر: ۳۹) (النحل: ۶۳)	زَینَ لَهُمُ الشّیطَانُ،	تزیین کننده	انگیزه کاذب	بینش نفسانی
(الأنعام: ۱۲۲) (الأنعام: ۱۳۷) (البراءَة): ۳۷) (یونس: ۱۲) (الرعد: ۳۳) (الحجر: ۳۹)	زُینَ لِلْکافِرِینَ، لِکثِیرٍ مِنَ الْمُشْرِکِینَ، لِلْمُسْرِفِینَ، لِلنّاظِرِینَ	تزیین عمل	مصادیق	منش‌های نفسانی

واژه سلطان

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
(آل‌عمران: ۱۵۱) (الأنعام: ۸۱) (الأعراف: ۷۱) (بنی إسرائیل): ۳۳) (الحج: ۷۱)	سُلْطَانًا، مِنْ سُلْطَانٍ،	ترس	روش مدیریت	سبک استرهاب
(النساء: ۹۱) (النساء: ۱۴۴) (النساء: ۱۵۳) (الأعراف: ۳۳) (یونس: ۶۸) (هود: ۹۶) (یوسف: ۴۰) (إبراهیم: ۱۰) (إبراهیم: ۱۱) (المؤمنون: ۴۵) (النمل: ۲۱) (سبأ: ۲۱) (الصافات: ۱۵۶) (غافر (المؤمن): ۲۳) (المؤمن): ۳۵) (غافر (المؤمن): ۵۶) (الدخان: ۱۹) (ابنابراینریات: ۳۸) (الطور: ۳۸)	سُلْطَانًا مُبِينًا، مِنْ سُلْطَانٍ، سُلْطَانٍ مُبِينٍ، بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ، بِسُلْطَانٍ،	تبیین	بینش	سبک تبیینی
(إبراهیم: ۲۲) (القصص: ۳۵) (الروم: ۳۵) (النجم: ۲۳)	مِنْ سُلْطَانٍ	وعده دهی	روش مدیریت	وعده دهی دروغین
(الحجر: ۴۲) (الصافات: ۳۰) (الرحمن: ۳۳)	اتبعک،	روش انحراف	تابعیت	خودباختگی
(الحجر: ۴۲) (النحل: ۱۰۰) (الکهف: ۱۵)	مِنَ الْغَاوِينَ ، تَوَلَّوْنَهُ، مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كذِبًا،	اغوا شوندگان	هوا خواهی	راهبرد نفسانی
(النحل: ۹۹) (الإسراء (بنی إسرائیل): ۶۵) (بنی إسرائیل): ۸۰)	الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يتَوَكلُونَ،	نجات یافتگان	تشویق	راهبرد وحیانی
هَلَک عَنِّی سُلْطَانِیهْ (الحاقة: ۲۹)				

واژه اسوه

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
(الأحزاب: ۲۱)	فِی رَسُولِ اللَّهِ،	امیدبه خدا و قیامت	سبک زندگی	الگو
(الممتحنة: ۴)	فِی إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ	دوری از غیر خدا	سبک زندگی	الگو

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
(الممتحنة: ۶)	فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ	امیدبه خدا و قیامت	سبک زندگی	الگو

واژه قدم

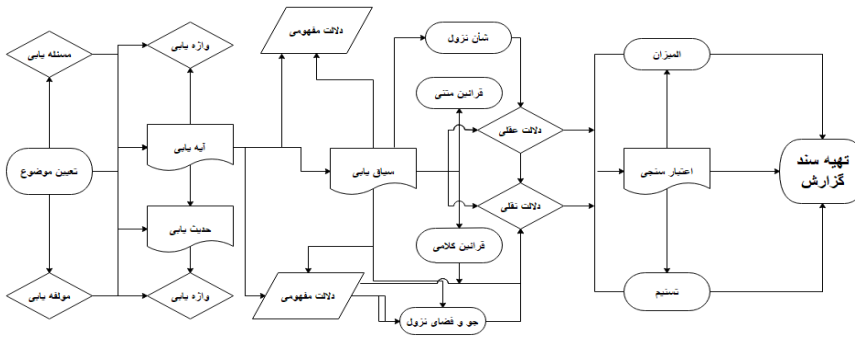
آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
(البقرة: ۹۵) (البقرة: ۱۱۰) (آل‌عمران: ۱۸۲) (النساء: ۶۲) (الأنفال: ۵۱) (الحج: ۱۰) (القصص: ۴۷) (الروم: ۳۶) (یس: ۱۲) (الشوری: ۴۸)	بِمَا قَدَّمَتْ، مَا تُقَدِّمُوا، مَا قَدَّمُوا، بِمَا قَدَّمَتْ أيدِيهِمْ	آخرت نگری	روش زندگی	راهبری
(البقرة: ۲۲۳) (المائدة: ۸۰) (ص: ۶۰) ق: ۲۸) (الحشر: ۱۸)	قَدِّمُوا لأنفُسكمْ، لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ، مَا قَدَّمَتْ لغَدٍ	آینده‌نگری	آینده‌نگاری	بینش و رویکرد
(الأعراف: ۳۴) (یونس: ۴۹) (النحل: ۶۱) (سبأ: ۳۰)	لَا يسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَ لَا يسْتَقْدِمُونَ،	دامنه زندگی	روش زندگی	بینش
(هود: ۹۸) (النحل: ۹۴)(الکهف: ۵۷) (الجمعة: ۷) عمّ یتسائلون): ۴۰) (الفجر: ۲۴)	يقْدُمُ قَوْمَهُ، مَا قَدَّمَتْ يدَاهُ، قَدَّمْتُ لِحَياتِي	کیفیت مدیریت	مدیریت غلط	منش استبدادی
(یوسف: ۴۸) (الفرقان: ۲۳) (ص: ۶۱) (الفتح: ۲) (المزمل: ۲۰) (المدثر: ۳۷) (القیامة: ۱۳) (الانفطار: ۵)	مَا قَدَّمْتُمْ، مَنْ قَدَّمَ لَنَا، مَا تَقَدَّمَ، مَا قَدَّمَتْ	آینده‌نگری	آینده‌نگری	راهبرد
(الحجرات: ۱) (المجادلة: ۱۲) (المجادلة: ۱۳)	لَا تُقَدِّمُوا بَينَ يدَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ	تبعیت از رهبری	تابعیت محض	منش راهبری

واژه طاع

آیه	واژه	مفهوم اولیه	مفهوم ثانویه	دلالت
(البقرة: ۲۱۷) (آل‌عمران:	إِنِ اسْتَطَاعُوا، لَوْ	کیفیت زندگی	آینده‌نگری	راهبرد

(۱۶۸) (النساء: ۸۱) (الکهف: ۹۷) (النور: ۵۳) (یس: ۶۷) (غافر (المؤمن): ۱۸) (ابنابراینریات: ۴۵)	أَطَاعُونَا، طَاعَةٌ، مَا اسْتَطَاعُوا، طَاعَةٌ مَعْرُوفَةٌ، يطَاعُ، أَطَاعُوهُ			استخفاف
(آل‌عمران: ۹۷) (النساء: ۶۴) (النساء: ۸۰) (محمد: ۲۱)	مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيهِ سَبِيلًا، لِيطَاعَ بِإِذْنِ اللّهِ، مَنْ يطِعِ الرّسُولَ، طَاعَةٌ، مُطَاعٍ	تابعیت	روش مدیریت	راهبری صحیح

الگوریتم این فرایند را به شکل زیر می‌توان ترسیم کرد:



شکل ۱: الگوریتم روش اجتهاد استقرایی

نمونه‌ای از مصادیق این الگوریتم در سبک مدیریت از منظر قرآن را در جدول زیر می‌توان مشاهده کرد:

موارد	مصادیق
موضوع	مدیریت در قرآن
مسئله	سبک مدیریت از منظر قرآن
مؤلفه‌ها	ولایت، هدایت، امامت، صراط، تدبیر
واژه	ولایه، هدایت، امامت، صراط، سبیل، یدبّر
آیه	یا أَیهَا الرّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَیک مِنْ رَبِّک وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ (المائدة: ۶۷) یا أَیهَا الّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللّهَ وَ أَطِیعُوا الرّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنکمْ (النساء: ۵۹)

موارد	مصادیق
	أُولئِک الّذِینَ هَدَی اللّهُ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ (الأنعام: ۹۰)
حدیث و روایت	حدیث منزلت، حدیث ثقلین «یا أیهَا النّاسُ إِنّی تَارِک فِیکمُ الثّقَلَینِ کتَابَ اللّهِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیتِی فَتَمَسّکوا بِهِمَا لَنْ تَضِلّوا»
دلالت مفهومی	سرپرستی، نظارت، کنترل، اجرای احکام، تبعیت از خدا و رسول (ص)، اصلاح امور مردم، مبارزه با فساد
سیاق	الْیوْمَ یئِسَ الّذِینَ کفَرُوا مِنْ دِینِکمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْیوْمَ أَکمَلْتُ لَکمْ دِینَکمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیکمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیتُ لَکمُ الْإِسْلَامَ دِینًا (المائدة: ۳) إِنّمَا الْمُؤْمِنُونَ الّذِینَ آمَنُوا بِاللّهِ وَ رَسُولِهِ وَ إِذَا کانُوا مَعَهُ عَلَی أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ یذْهَبُوا حَتّی یسْتَأْذِنُوهُ (النور: ۶۲) وَ أَطِیعُوا اللّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِیحُکمْ وَ اصْبِرُوا إِنّ اللّهَ مَعَ الصّابِرِینَ (الأنفال: ۴۶)
شأن نزول	غزوه تبوک، غزوه هوازن، حجت الوداع، غدیر، جریان مباهله
جوو فضای نزول	اقدامات منافقین، مشرکین؛ یهود و روم
قرائن کلامی	تفاوت معجزات پیامبران (موسی، عیسی، شعیب، پیامبر اسلام)
قرائن متنی و حدیثی	تنازعوا، لن تضلوا، من کنت مولاه فهذا علی مولاه
اعتبارسنجی	المیزان ذیل آیات جلد ۶ و تسنیم (ولایت فقیه) و تفسیر ذیل آیات سوره مائده
دلیل نقلی	جانشینی امیرالمؤمنین در مهمانی، تبوک، صدقه در حالت رکوع، سریه ذات سلاسل
دلیل عقلی	تداوم مکتب به تداوم محتوا و اجرا، تفاوت عملکرد ائمه علیهم‌السلام و معجزات پیامبران

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. منطق قرآن در تبیین سبک مدیریت مدیران

در نقشه آفرینش، آدمی چنان خلق شده است که برای انجام هر کاری نیازمند اعتقاد و باور است؛ منشأ این اعتقاد هرچه و هرکس باشد، پذیرنده آن فقط آدمی است. اصولاً اگر آدمی یا هر موجودی به چیزی مجبور باشد، مثلاً آدمی مجبور است تنفس کند، آب و غذا بخورد و بنابراین انسانی نمی‌توان یافت که بدون این‌ها بتواند به حیات ادامه دهد؛ یعنی اجبار به‌نوعی

با حیات و ادامه آن عجین شده است؛ این امر در بخش مادی و فیزیکی روشن و نیازمند دلیل خاصی نیست. در بخش غیرمادی و فکری و معنوی یا اعتقادی نیز این‌چنین است؛ کسی نمی‌تواند آدمی را برای پذیرش اعتقادی مجبور کند حتی پیامبر اعظم (ص) با این‌که از ایمان نیاوردن مردم ناراحت جانکاهی دارد (شعراء: ۳). ولی اجازه ندارد که از قدرت ولایی برای تصرف و ایمان آوردن آنان استفاده کند و حق ندارد که مردم را مجبور به پذیرش چیزی کند (اسراء: ۶۵).

فردی که تابع امیال و هواهای نفسانی یا هر عقیده دیگری است نمی‌توانید او را مجبور به پذیرش این اعتقاد و ایمان به آن کنید (فرقان: ۴۳)؛ چون ایمان و اعتقاد یک امر درونی است و پیوند مستقیم با اختیار انسان دارد؛ بنابراین خداوند متعال نیز می‌فرماید اگر قرار به اجبار باشد و ما اراده کنیم چنان باشد در آن صورت از آسمان آیه‌ای نازل می‌کنیم که همه بی‌اختیار در مقابلش خاضع شوند و همه‌چیز را بپذیرند (شعراء: ۴) یعنی در قاموس خلقت، اراده الهی بر این تعلق گرفته است که آدمی موجود مختاری باشد و به او ابزاری به‌نام عقل داده است که خود انتخاب کند که چه باشد و چگونه زندگی کند؛ این اختیار را به دو صورت می‌توان تحت تأثیر قرار داد:

راه اول تبیین مسائل مختلف و بیان نتایج هریک از آنان تا افراد خود انتخاب کنند که کدامین راه و روش را انتخاب کنند.

راه دوم استخفاف (کوچک شمردن) و استکبار است یعنی با آدمی چنان برخورد شود و فضا را چنان برای او تصویرسازی کنند که او همان راهی را انتخاب کند که مورد نظر استخفاف‌گران و مستکبران است.

روش اول، روش خداوند است که از طریق ارسال پیامبران و بیان آیات تمام مسیرها را برای بشر بیان می‌کند تا خود انتخاب کند که چه باشد (انسان: ۳) و نتیجه انتخاب را نیز نشان می‌دهد که با هر انتخاب چه افقی در انتظارش خواهد بود؛ ما برای کافران زنجیرها و غل‌ها و شعله‌های سوزان آتش آماده کرده‌ایم (انسان: ۴) و برای نیکوکاران و ابرار جامی از می آماده کردیم که می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است (انسان: ۵) سپس به ذکر وضعیت

هر دو گروه در آیات متعدد می‌پردازد ازجمله در سوره‌های (انسان: ۲۹) (زمر: ۷).

روش دوم، روش شیطان و پیروان اوست که هر عصری به صورتی مورد استفاده قرار می‌گیرد دیروز چنان آدمی را خوار و خفیف نشان می‌دادند که او چنان تصور می‌کرد که توان انتخاب ندارد و دیگران به‌جای او باید انتخاب کند «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ» پس قوم خود را خوار و خفیف کرد و آن‌ها اطاعت کردند (زخرف: ۵۴) و امروز از طریق ابزار رسانه و فضای مجازی صحنه را چنان تزیین می‌کنند که او همانی را انتخاب کند که آن‌ها می‌خواهند همان‌طوری‌که «شیطان اعمال زشت آنان را در نظرشان زیبا جلوه داده و آن‌ها را به‌کلی از راه خدا باز داشته و آن‌ها هم به حق راه یافته نیستند» (نمل: ۲۴).

خداوند متعال خالق انسان، مهم‌ترین مخلوقی که خلق کرده و در اختیار انسان قرار داده است، عقل است تا با آن انتخاب و عمل کند و با آن پاداش و جزا داده می‌شود «أول ما خلق الله العقل قال له أقبل فأقبل ثم قال له أدبر فأدبر فقال ما خلقت خلقا أحب إلی منک لک الثواب و علیک العقاب» (ابن الحدید، ۱۴۰۴ ق؛ ج ۱۸: ۱۸۵)؛ یعنی عقل ابزار تشخیص حق از باطل و سره از ناسره و زیبایی از زشتی است، اما انتخاب هر یک از این‌ها با نفس آدمی صورت می‌گیرد این‌که کدام‌یک از این دو را انتخاب کند به عوامل متعددی برمی‌شود که در نوع انتخاب او تأثیرگذار است و تأکیدات قرآن نیز برای محافظت از همین ورودی‌ها است (عبس: ۲۴) شیطان نیز از روز اول با وسوسه و تزیین و تلبیس این ورودی‌ها آدمی را تحت تأثیر قرار داد و هیچ نوع تسلطی بر بندگان خدا ندارد مگر کسانی که تابع تأثیر اغواها و وسوسه‌های او قرار گیرند (حجر: ۴۲) و بنابراین مؤمنانی که بر خدا توکل دارد شیطان در آن‌ها راه نفوذی ندارد (نحل: ۹۹) و امروز نیز دنیای مجازی و رسانه‌ها نیز از این منطق استفاده می‌کنند.

در عرصه مدیریت نیز مدیران برای اقناع‌سازی و جلب نظر کارکنان راهی غیر از این ندارند که هرکدام براساس سبکی که اختیار می‌کنند روشی را برای جذب و به‌کارگیری آن‌ها به‌کار گیرند و الا بدون اقناع‌سازی و جلب رضایت افراد، هیچ‌کس وارد سازمانی و شرکتی نمی‌شود و کاری انجام نمی‌دهد و تمام تبلیغاتی که برای جذب و گزینش صورت می‌گیرد

بر پایه این ویژگی و منطق است.

۴-۲. اولین دستورات مدیریتی قرآن

براساس آیات قرآن اولین صحنه انتخاب زمانی صورت گرفت که خداوند متعال در روز الست (عالم ذر) بعد از خلقت همه انسان‌ها، خود را بر همگان نشان داد و از آن‌ها خواست که به اولوهیت او پاسخ دهند که همه پاسخ مثبت دادند (اعراف:۱۷۲).

این گواه‌گیری نشان از اختیاری است که خدا به آدمیان داده است و الا گواه‌گیری معنی نداشت و اگر قرار بود همه انسان‌ها خداپرست باشند در آن صورت دیگر انسان نمی‌شدند و مانند ملائکه می‌شدند. اصولاً اجبار با دستور هم‌سنخ نیست؛ چراکه نفس دستور با اختیار هم‌راستا است و با اجبار تناقض دارد و این گواه‌گیری نیز به این دلیل اتفاق افتاد که بعداً آدمی مدعی بی‌اطلاعی نباشد (اعراف:۱۷۲) و این اقرار را گرفتیم تا روز قیامت نگویید ما از پروردگارت بی‌خبر بودیم (طباطبائی،۱۳۶۳).

دومین خطاب بعد از خلقت خاکی آدمی است که خداوند برای نشان دادن عظمت و بزرگی حضرت آدم به ملائکه دستور سجده می‌دهد که آن‌ها اعتراض کرده و خداوند، با این‌که خداست با قدرت قاهریت می‌تواند همه را به سجده وا دارد ولی برای تبیین آن‌ها یک نمایش قدرت از توانمندی‌های آدمی و ملائکه نشان می‌دهد و اسماء را به آدمی تعلیم و به ملائکه عرضه می‌دارد و آنگاه از آن‌ها می‌خواهد که آن‌ها را بازگو کنند (بقره: ۳۱) که ملائکه اعتراف به کاستی می‌کند ولی آدمی به همه آن‌ها خبر می‌دهد (بقره: آیه ۳۳) که آنگاه خدا می‌فرماید من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید و بنابراین همه ملائکه جز ابلیس، بعد از فهم آن سجده می‌کنند (بقره: ۳۴).

این جریان مقدمه چنددستوری است که خدا به آدم و حوا می‌دهد جایی که می‌فرماید: «و گفتیم: ای آدم! تو و همسرت در این بهشتِ معین [که باغی از باغ‌های بسیار آباد و پرنعمت دنیا بود] سکونت کنید و از هرجای آن که خواستید بی‌دغدغه و با آسایش بخورید و به این درخت نزدیک نشوید؛ که اگر نزدیک شوید از ستمکاران [بر خود] خواهید شد (بقره: ۳۵)

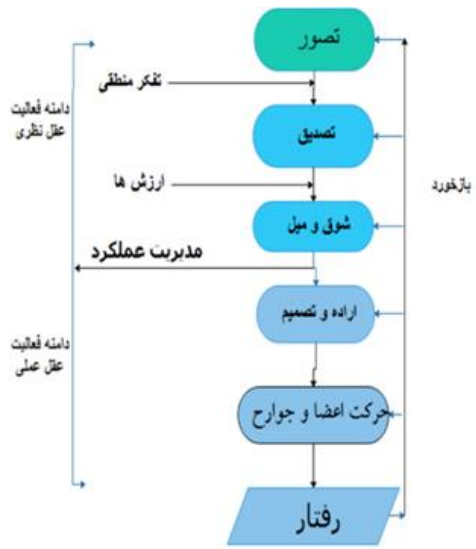
در این آیه آدمی با دو دستور سکونت در بهشت و برخورداری از نعمات آن و دو نهی ارشادی مواجهه می‌شود یعنی نزدیک نشدن به درخت (بقره: ۳۵) و نهی از این‌که شیطان دشمن قسم‌خورده آدمی است و او را تبعیت نکنید تا شما را منحرف نسازد (اعراف: ۱۶) که در این آیه نیز بدان تأکید دارد «وَأَقُلْ لَكمَا إِنّ الشّيطَانَ لَكمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ» ای فرزندان آدم، آیا به شما سفارش نکردم که شیطان را نپرستید؛ زیرا او دشمن آشکاری بر ضدِ شما است؟ (بقره: ۳۵) با وجود این ارشادها آدمی عهد و پیمان را فراموش و در عزمش سست شد (اعراف: ۲۲) (یس: ۶۰).

دستور بعدی هبوط به زمین است وقتی آدمی تحت تأثیر وساوس شیطان قرار گرفت و از درخت ممنوعه خورد آنگه به دستور الهی از جایگاه بهشتی به زمین هبوط کرد (طه: ۱۲۳). وقتی متوجه خیانت شیطان و فریب او شدند با توسل به اهل‌بیت (علیهم‌السلام) توبه می‌کنند و دستور عمومی الهی برای او و تمام ذریه آدمی در حیات دنیوی صادر می‌شود. (طباطبائی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۱۳۵) مبنی بر این‌که هدایتی از سوی من خواهد آمد که هرکس از آن تبعیت کند نه دچار گمراهی می‌شود و نه به‌سختی و زحمت می‌افتد (طه: ۱۲۳) ولی اگر از آن تبعیت نکنید و از حدود الهی خارج شوید، زندگی بسیار تنگ و سختی خواهید داشت و روز قیامت نابینا محشور خواهید شد (طه: ۱۲۴).

۴-۳. مدل مفهومی در تحلیل سبک مدیریت از منظر قرآن

نگاه تحلیلی به این دستورات گویای این است که خالق انسان که قادر به همه‌چیز است و همه آنچه به آدمی داده است امانت و سرباز و جنود او هستند و مدتی کوتاهی به امانت در اختیار انسان قرار گرفته است «أعضاؤه شهوده و جوارحه جنوده و ضمائره عیونه و خلواته عیانه» (دیلمی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۱۱۲) و می‌تواند همه قوا را از او بگیرد و هیچ‌کس قادر به برگردان آن‌ها نمی‌تواند باشد (بقرة: ۲۰) یعنی آدمی همان اختیار را در طول مدتی که در دنیا هست دارد. درواقع دنیا میدان و عرصه میزان پایبندی به پیمانی است که در عالم ذر داده است که تعدادی بر همان تعهد باقی‌مانده و در کلام و عمل صادق بودند که حتی پای آن

جان خود را فدا کرده‌اند و تعدادی نیز منتظر این هستند که صداقت عملی خود را به اثبات برسانند (احزاب: ۲۳) و نتیجه این پایمردی و استقامت در انتظار را نیز دریافت می‌دارند (أحزاب: ۲۴) و گروهی با انکار آیات الهی و تبعیت از راه کفار در پیمانشان صادق نبودند (بقرة: ۲۵۳). در تحلیل رفتار شیطان در اغوای آدمی به این نکته پی می‌بریم که شیطان برای اغوای آدمی دست به چیزی گذاشتند که با آن بتوانند نگاه و رویکرد آدمی را عوض کنند؛ یعنی درخت ممنوعه برای ماندگاری در بهشت و با قسم دروغین بر این ادعا پافشاری کرد «فَاسَمَهُمَا إِنِّی لَکمَا لَمِنَ النّاصِحِینَ و ...» (الأعراف: ۲۱)؛ یعنی شیطان با تزیین و وسوسه و قسم دروغین به خیرخواهی آنان، باعث شد که آن‌ها به جایی تبعیت از سخن و دستور الهی به توصیه شیطان عمل کنند؛ بنابراین آدمی برای عمل نیازمند عاملی است که باور و میل او را تهییج و توجیهی برای عقل نظری و اقناع آن داشته باشد تا به عقل عملی دستورات لازمه را ارائه دهد و او نیز به اعضا و جوارح دستور دهد که چه‌کاری را انجام دهند (بابائی، ۱۳۸۴).

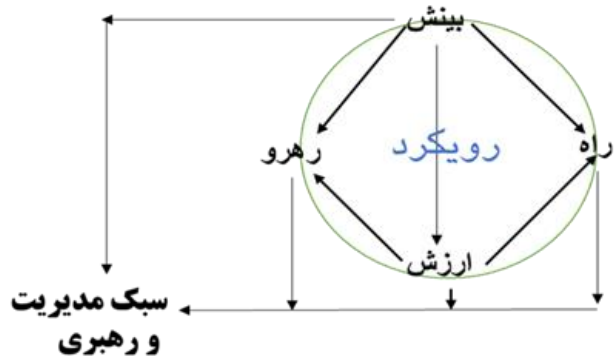


نمودار ۱: فرایند شکل‌گیری رفتار انسان

این منطق و سنت کلی حاکم بر رفتارهای انسانی است و هیچ استثنا نیز ندارد. به همین

دلیل قرآن نجات و رستگاری انسان را در سوره والعصر منحصر در چهار چیز اعلام می‌کند؛ یعنی داشتن عقیده و باور درست (الذین آمنوا) و عمل براساس باورهای درست و صحیح (عملوا الصالحات) و پایداری بر معیارها و شاخص‌ها و ارزش درست و توصیه دیگران به پایبندی به آن‌ها (تواصوا بالحق) و صبر و استقامت در مقابل سختی‌های عمل به حق و وساویس مخالفین و شیاطین با انتخاب الگو، راه و روش‌های درست (تواصوا بالصبر).

این منطق و حصر باعث شده که اساس تبلیغات وتربیت نیز بر روی عوامل و شیوه‌های اثرگذار بر روی فکر و رویکرد آدمی صورت گیرد که در چهار عنصر منحصر است یعنی با استفاده از ابزارهای تبلیغی و رسانه‌ای ابتدا چیزی که مد نظرشان هست ایجاد می‌کنند و اطلاعات لازم را تولید می‌کنند و سپس برای تحریص مردم برای روی آوردن به آن اعتقادات و افکار آن‌ها را تحت شعاع قرار می‌دهند و یا ارزش‌ها را جابجا می‌کنند و یا این‌که الگوهای دروغین به ظاهر حق نما نشان می‌دهند و در نهایت روش‌هایی را نشان می‌دهند که به ظاهر سعادت‌آور است؛ ولی در حقیقت جز خسارت ببار نمی‌آورد (بابائی، ۱۳۹۹: ۱۸۲)؛ یعنی الگوی مفهومی اولیه که می‌توان براساس آن سبک مدیریتی قرآن را در مقابل سایر سبک‌ها استنباط و تبیین کرد این الگو خواهد بود که فرایند کلی این تحول و اثرگذاری را می‌توان به‌صورت نمودار (۲)، نشان داد:



نمودار ۲: مدل سبک مدیریت از منظر اسلام

تحلیل منطقی این مدل با رویکرد مدیریتی بر این پایه است که مدیریت رفتار خاص

مدیران در جایگاه مدیریت است؛ به رفتاری وصف مدیریتی می‌توان اطلاق کرد که فردی به مدیریت جایگاهی یا کسانی منصوب شده باشد و با تفویض اختیارات لازم اقداماتی جهت هدایت سازمان یا افراد انجام دهد که این اقدامات همان رفتارهای مدیریتی و رهبری این فرد برای اداره سازمان و جامعه خواهد بود (بابائی، ۱۳۹۶)؛ بنابراین برای تصحیح و هدایت رفتار کارکنان و جامعه هدف، مدیران و رهبران باید از همین مدل تبعیت کنند؛ یعنی مدیریت از سنخ رفتاری است و تصحیح آن به عواملی برمی‌شود که رفتارهای آدمی را تحت شعاع قرار می‌دهد؛ تمام دوره‌های مدیریت و حکمرانی اعم از دانشگاهی و سازمانی (ضمن خدمت)، سفرها و بازدیدهای مدیران از کارخانه‌ها و مراکز دیگر براساس این منطق صورت می‌گیرد چون در طی این دوره‌ها و سفرها تلاش می‌شود یکی از مؤلفه‌های چهارگانه بینش، ارزش (انگیزه)، راه یا الگو و منش یا رهرو تحت تأثیر واقع شوند تا رویکرد مدیران و رهبران تغییر یابد که نتیجه آن تغییر رفتار و عملکرد آن‌ها خواهد بود؛ بنابراین می‌توان گفت که سبک مدیریتی و رهبری، مدیران و رهبران تابعی از رویکرد حاکم بر آن‌ها است که از موارد ذیل اثر می‌پذیرد.

۱. درک و بینش: این مؤلفه مقصد و اهداف را در سایه شناخت‌هایی که به افراد می‌دهد، کشف یا تولید می‌کند ازاین‌رو محصول بینش و جهان‌بینی است که مشتمل بر خداشناسی، هستی‌شناختی، راه‌شناسی و رهرو شناسی است و ارائه نوع نگاه به دنیا، آخرت، حقیقت انسان، جایگاه انسان‌های دیگر، شرایط زمانی و مکانی، موضوع و میزان احاطه بر آن و عوامل دیگری که در بینش و شکل‌گیری رویکرد آدمی اثرگذار هستند. از مهم‌ترین تفاوت‌های مدیریت غرب با اسلام به همین عامل برمی‌شود مدیریت غرب محصول نگاهی مادی به دنیا و جدا کردن معنویت از چرخه آن است ولی در فرهنگ اسلامی انسان دو ساحتی است و به همان‌سان که به تغذیه مادی نیازمند است به تغذیه معنوی نیز نیاز دارد و این دو همسان دو بالی هستند که امکان پرواز را به انسان می‌دهند و حذف کردن یکی از آن‌ها به معنای گرفتن قدرت پرواز از آدمی است (خامنه‌ای، ۱۳۹۱: ۱۴۴).

عرصه‌های دانایی در فرهنگ قرآنی و منطق قرآن به‌تناسب عرصه‌های مدیریتی متفاوت

است هر عرصه‌ای اطلاعات خاص خودش را می‌خواهد تا مدیر را در تصمیم‌گیری یاری رساند (بقره: ۲۴۷)؛ (یوسف: ۶۴). حتی سلیمان نبی نیز باشید برای تصمیم‌گیری باید به اطلاعات صحیح و درست دست رسی پیدا کنید (نمل: ۲۱) و بعد از دسترسی به اطلاعات صحیح، باید سریع براساس آن عمل کنید (نمل: ۲۹).

۲. ارزش، این مؤلفه جاذبه آن برای دستیابی به مقصد و اهداف را ایجاد می‌کند که طیف وسیعی از جنبه‌های زیستی، هیجانی، اجتماعی، شناختی و معنوی را شامل می‌شود از یک طرف به‌عنوان یک محرک عمل می‌کند و موجب می‌شود فرد تصمیم بگیرد که چه چیزی را چگونه انجام دهد و با چه شدت و اهمیتی آن را دنبال کند از طرف دیگر محدودیت و چهارچوب ایجاد می‌کند بنابراین انگیزه دلیل انجام کار و چهارچوب آن بوده و از عوامل تعیین‌کننده مشروعیت، مقبولیت و موفقیت در عرصه‌های مدیریتی است. آنچه انگیزه و ارزش را مهم و ضروری می‌سازد، قدرت اثرگذاری آن بر روی روحیه و عملکرد افراد است. انگیزه به فرد انرژی می‌دهد، به او امید می‌بخشد و تلاش و پیشرفت را تشویق می‌کند و بایدها و نبایدها، چهارچوب و دامنه فعالیت‌های فردی و اجتماعی را تعیین می‌کنند و در سازمان پایه نظامات اداری، کیفیت و نوع تعاملات مدیران و کارکنان با یکدیگر و مراجعه‌کنندگان را شکل می‌دهد. خاستگاه ارزش‌ها، شرایط محیطی، مبانی هستی شناختی و انسان‌شناختی یا بینش است. تقسیم مدیران براساس ارزش‌ها می‌تواند به بهبود کارایی و ارتقای سطح سازمان‌ها کمک کند. این تقسیم‌بندی می‌تواند براساس معیارهایی مانند صداقت، اعتمادبه‌نفس، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، ساده‌زیستی، دلسوزی، امانت‌داری و قاطعیت انجام شود، ویژگی بارز پیامبر رحمت صلی‌الله‌علیه‌و آله قبل از رسالت صداقت و امانت‌داری ایشان بود و معروف به محمد امین بودند.

بر پایه انگیزه و ارزش مردم در عبادت خداوند متعال از نگاه امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به سه گروه تجار، بردگان و آزادگان تقسیم می‌شوند «إنّ قَوْماً عَبَدُوا اللّهَ رَغْبَهً فَتلْکَ عِبَادَهُ التّجّارِ وَ إنّ قَوْمَاً عَبَدُوا اللّهَ رَهْبَهً فَتلْکَ عِبَادَهُ الْعَبِیدِ وَ إنّ قَوْمَاً عَبَدُوا اللّهَ شُکْراً فَتلْکَ عِبَادَهُ الاَحْرَارِ وَ هِی اَفْضَلُ الْعِبَادَهِ» تحف العقول، ص ۲۷۹ ح ۴ و نهج‌البلاغه، حکمت ۲۳۷).

۳. راه و سبیل، راه، کنش و راهبردی که برای طی فاصله بین وضع موجود و مطلوب انتخاب می‌شود. هر بینشی برای پیاده شدن نیازمند طریقی است که درست انتخاب شود که در موفقیت مدیران مؤثر است چه‌بسا مدیر و رهبر فعالی که به علت نشناختن راه صحیح و درست نتواند سازمان و جامعه را به‌درستی هدایت کند. تأکید قرآن به صراط مستقیم و قرار دادن آن در سوره حمد و بازخوانی و تکرار حداقل ۱۰ بار «اهدنا الصراط المستقیم» در نمازهای واجب دلیل بر اهمیت آن در رسیدن به مقصد است.

مدیران براساس این راه از نگاه قرآن به دو گروه جائر و عادل تقسیم می‌شوند، مدیران یا امامانی که پیروان خود را به سعادت دنیوی و بهشت اخروی هدایت می‌کنند امام عادل هستند که بشر را به امر خدا هدایت می‌کنند، هم چنان‌که دربارهٔ ابراهیم (علیه‌السلام) این اسم را به‌کار برده و فرمود: «إِنِّی جاعِلُک لِلنّاسِ إِماماً» ولی افراد دیگری را که مقتدا و رهبر گمراهانند ائمه کفر و جائر خوانده و فرمود «فَقاتِلُوا أَئِمَّةَ اَلْكفْرِ» (توبه: ۱۲) این گروه پیروان خود را به بدبختی دنیوی و جهنم اخروی رهنمون می‌شوند که فرعون سنبل و نماد مدیران و ائمه جائر و کفر است که مردم را به آتش می‌کشانند (هود: ۹۸).

در مباحث مدیریت صراط یک راه فیزیکی نیست بلکه یک امر معنوی و درونی است که آدمی در اندیشه و افکارش آن را طی می‌کند و بنابراین یکسری نشانه‌ها و علائمی دارد که با رعایت آن‌ها آدمی در مسیر مستقیم قرار می‌گیرد و با رعایت نکردن آن‌ها از صراط مستقیم منحرف و از آن خارج می‌شود مثلاً قرآن می‌فرماید کسی که به آخرت ایمان ندارد از راه و صراط مستقیم منحرف شده است (المؤمنون: ۷۴).

صراط در منطق قرآن مانند هر راه زمینی یا هوایی دارای مختصاتی است که هویت و دامنه آن را دقیقاً ترسیم می‌کند؛ مانند پروردگار بودن الله و عبادت او (آل‌عمران: ۵۱)؛ اعتصام و چنگ زدن به خدا (آل‌عمران: ۱۰)؛ برخورد مناسب با اموال یتیم‌ها (أنعام: ۱۵۲)؛ عدالت در اندازه‌گیری پیمانه و ترازو (الأنعام: ۱۵۲)؛ عدالت در گفتمان (الأنعام: ۱۵۲)؛ وفای به عهد الهی (أنعام: ۱۵۲)؛ پرهیز از رفتن به راه‌های دیگر (أنعام: ۱۵۳)؛ پرهیز از شیطان و اغواهای آن (أعراف: ۱۶)؛ پرهیز از اغواهای شیطان و تزئینات و خطوات او (حجر: ۳۹ تا ۴۱)؛ عبادت

و بندگی خداوند (یس: ۶۱)؛ یقین به قیامت و شک نکردن در آن (زخرف: ۶۱).

۴. الگو، اسوه و روش که چگونگی انجام فعالیت‌ها را تعیین می‌کند. به همان اندازه که طریق و صراط در رسیدن به هدف مهم است چگونگی پیمایش و مشق آن نیز مهم است؛ بسا رهروان چالاکی که چون راه درست انتخاب نکرده‌اند به مقصد نرسیده‌اند و چه‌بسا رهروانی که هرچند به‌درستی راه صحیح و درست را انتخاب کرده بودند، ولی چون روش درست راه رفتن و مشق در این راه را بلد نبودند باز به مقصد نرسیده‌اند؛ بنابراین در سوره حمد آیه ۷ به بیان چگونگی رهرو اشاره دارد که هر روز بنده از خدا می‌خواهد که او را به راهی هدایت کند که رهروش منعمین هستند که با طی آن به نعمت الهی دست یافتند (صراط الذین انعمت علیهم) و در سوره انعام آیه ۹۰ فرمان تبعیت از افرادی می‌کند که با موفقیت این مسیر را طی کرده‌اند و به مقصد و مقصود دست یافته‌اند «أُولئِک الَّذِینَ هَدَی اللَّهُ فَبِهُدَاهُمُ اقْتَدِهْ» در مذهب شیعه این امر به قدری مهم است که مردم باید در کارها و کیفیت انجام آن از مجتهد جامع‌الشرایط اذن داشته باشند و یا این‌که خود مجتهد باشد که بتواند نظر خدا را از قرآن و کلام معصوم استنباط کند.

۴-۴. راه‌یافتگان و الگوهای سبک مدیریت از منظر قرآن

راه یافتگاه در فرهنگ قرآنی کسانی هستند که از خدا و پیامبرش تبعیت کرده‌اند که به چهار گروه تقسیم می‌شوند: وَ مَنْ یطِعِ اللَّهَ وَ الرَّسُولَ فَأُولئِک مَعَ الَّذِینَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَیهِمْ مِنَ النَّبِیینَ وَ الصِّدِّیقِینَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِینَ وَ حَسُنَ أُولئِک رَفِیقًا (نساء: ۶۹) و الگوهای آن مدیران و رهبرانی هستند که از طرف خدا منصوب شده و هدایتشان خدایی است و بر سبیلی مشق می‌کنند که فرمان اوست و این افراد در مرحله منحصر در پیامبران و امامان معصوم هستند (بابائی، ۱۴۰۳) که جزء کلام وحی و دستورات الهی در سیره و گفتارشان دیده نمی‌شود که فرمود من بشری مانند شما هستم که به من وحی می‌شود «(کهف: ۱۱۰) و جز از وحی تبعیت ندارم (انعام: ۵۰، اعراف: ۲۰۳، یونس: ۱۵ و أحقاف: ۹) و بنابراین می‌فرماید کسانی که امید به دیدار الهی در آخرت دارند، باید الگویشان در زندگی و مدیریت در همه عرصه‌ها،

پیامبر و جانشینان او باشند. «لَقَدْ کانَ لَکمْ فِی رَسُولِ اللّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (أحزاب: ۲۱) بنابراین تنها دستورات این نوع امامان لازم الاطاعه هستند (حشر: ۷) و در مرحله دوم علمای دین و فقهیان (توبة:۱۲۲) هستند (طباطبائی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۵۵۰).

۴-۵. ارکان سبک مدیریت از منظر قرآن

این سبک از دو رکن اصلی تشکیل شده است یعنی دانایی و وحیانی یا تعبد و تسلیم؛

۴-۵-۱. رکن دانایی

رابطه دانایی و سبک مدیری در اسلام، رابطه‌ای دیالکتیکی و سازنده است. برخلاف برخی نظریه‌های مدیریتی که سبک را صرفاً براساس شخصیت یا شرایط می‌سنجند، اسلام دانایی را به‌عنوان زیرساخت و جهت‌دهنده سبک مدیریت معرفی می‌کند. درواقع، نوع و عمقِ دانایی مدیر، سبک رفتاری و تصمیم‌گیری او را شکل می‌دهد. در اسلام، دانایی، سبک‌ساز است. یک مدیر مسلمان، سبک مدیریت خود را نه از روی هوس یا تقلید، بلکه براساس مجموعه‌ای از علوم درهم‌تنیده (الهیات، اخلاق، تخصص، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی) شکل می‌دهد. مدیر جاهل (حتی با نیات خوب) به سمت سبک‌های خودکامه، احساسی، سلیقه‌ای و بی‌ثبات، گرایش دارد ولی مدیر عالم (با تقوا) به سمت سبک‌های عادلانه، مشورتی، قانون‌مدار، پاسخ‌گو و خدمت‌گزارانه حرکت می‌کند. مدیر جاهل به‌راحتی در ورطه افراط و تفریط می‌غلتد، درحالی‌که مدیر دانا با بینش الهی و عقلانی، راه میانه را تشخیص داده و در آن گام برمی‌دارد.

کسی که بخواهد سبک مدیریتی اسلام را اجرا کند، باید دانایی اسلامی را در خود پرورش دهد. این دانایی، چراغی است که نه‌تنها هدف (عدالت و خدمت) را نشان می‌دهد، بلکه سبک و مسیر درست حرکت به سمت آن هدف را نیز روشن می‌سازد.

۴-۵-۲. رکن تعبد و تسلیم وحیانی

رکن دیگر این سبک وحیانی به تعبیر صحیح‌تر «تعبد و تسلیم وحیانی» است. تعبد در ادبیات دینی اسلام در مقابل اجتهاد قرار دارد، دو رویکردی که از زمان بعثت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و آله شکل گرفت در رویکرد تعبد و حیاتی مردم تسلیم تمام اوامری هستند که از ناحیه پیامبر خدا صادر می‌شود «وَ مَا كانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكونَ لَهُمُ الْخِيرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ يعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا» رأی هیچ مرد مؤمن و یا زنِ مؤمنی، جایز نیست که وقتی خدا و رسولش فرمانی را حتمی نمایند، برای آن‌ها در کارشان اختیاری باشد و هرکس خدا و رسولش را نافرمانی کند، پس بی‌تردید، با گمراهی آشکاری، گمراه شده است (أحزاب: ۳۶) و یا در جای دیگر می‌فرماید «وَ مَا آتَاكمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكمْ عَنْهُ فَانتَهُوا» و هر دستوری که رسول به شما داد بگیرید و از هر گناهی نهیتان کرد آن را ترک کنید (حشر: ۷) چنان‌که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و آله و پیروانش فرمان داشته‌اند که تسلیم اوامر الهی باشند و از آن تعدی نکنند که موجب گمراهی و ضلالت است؛ دستوری که به روایتی پیامبر را پیر کرد «فَاسْتَقِمْ كمَا أُمِرْتَ وَ مَنْ تَابَ مَعَک وَ لَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» پایدار باش چنان‌که فرمان یافته‌ای و هر که با تو سوی خدا آمده نیز و سرکشی نکنید که او بینا به اعمال شما است (هود: ۱۱۲).

در مقابل این رویکرد گروه‌های بودند که اعتقاد به اجتهاد داشتند یعنی فرد اجتهادگر در مسائل مختلف براساس نظر خود عمل می‌کند؛ گرچه نص صریحی از آن داشته باشند و کتاب خدا را کافی می‌دانستند؛ نماینده این رویکرد از صحابه عمربن خطاب بود که در موارد مختلف برخلاف نص سخن رسول خدا با وی به چون‌وچرا پرداختند چراکه بر این باور بود که وقتی اجتهادش در تعیین مصلحت به خطا نرفته است، چنین حقی را دارد؛ مانند موضع وی در صلح حدیبیه، وقتی پیامبر در اواخر عمر شریفش درخواست کاغذ قلم کرد که مطلبی بنویسند تا بعد ایشان اختلافی نشود؛ خلیفه دوم گفت: درد بر رسول خدا (ص)، سخت غلبه کرده است؛ قرآن نزد شماست و همین کتاب خدا برای ما کفایت می‌کند، یا حذف کردن «حی علی الصلوه از نماز» تحریم متعه حج (صحیح بخاری، ج ۳، ص ۱۸۲، شرح المقاصد،

ج ۵، ص ۲۸۳ به نقل از صدر، ۱۳۹۸، ص ۶۵).

مثال قرآنی سبک دانایی تعبد وحیانی داستان برخورد حضرت موسی (ع)، با فرعون برای نجات بنی اسرائیل است که دو سبک مدیریت و رهبری را نشان می‌دهد که یکی وجهه الهی دارد و تحت نظارت خداوند شکل گرفته و هدایت می‌شود «قالَ لا تَخافا إِنَّنی مَعَکما أَسْمَعُ وَ أَری» فرمود: مترسید که من با شما- موسی و هارون- هستم، می‌شنوم و می‌بینم (طه: ۴۶) و دیگری سبکی است که فرعون به اجتهاد نفسانی، خود را رب بزرگ نامید «فَقَالَ أَنَا رَبُّکمُ الْأَعْلَی» (نازعات: ۲۴) با این‌که یقین داشت رب‌العالمین خداست و موسی علیه‌السلام فرستاده اوست «وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَیقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلُوًّا» از روی ستم و عصیان منکر آن‌ها شدند، اما ضمیرهایشان بدان یقین داشت (نمل: ۱۴) و با استخفاف و خوار کردن مردم، آن‌ها را به اطاعت وا می‌دارد «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطاعُوهُ» (زخرف: ۵۴) در آیات متعددی رویارویی این دو سبک به تفصیل مانند طه و نازعات به اختصار بیان شده است. رویارویی و دعوت حضرت سلیمان از بلقیس جریانی دیگری است که می‌توان این تقابل سبک‌ها را دید و یا رویارویی که رسول خدا (ص) با سران قبایل و پادشاهان کشورهای مختلف داشته‌اند.

۴-۶. جنس و فصل سبک دانایی وحیانه

این سبک را با توجه به ارکان و عوامل اثرگذارش دانایی وحیانی نام‌گذاری می‌کنیم که به حد تام تعریف شده است قید «دانایی» حاکی از جنس تعریف و بیانگر حُسن فعلی (نحل: ۹۷) و قید وحیانی فصل آن و نشان از حُسن فاعلی است (طه: ۱۱۲) که نتیجه‌اش حیات طیب و پاک و موفقیتی است که ظلمی نداشته و تلاش‌ها به بار می‌نشیند (أنبیاء: ۹۴).

این تعریف با قید دانایی با سایر سبک‌های مدیریت اشتراک دارند و با قید وحیانی از آن‌ها جدا می‌شود؛ چراکه اولاً همه سبک‌ها بدون ابلاغ و بیان مأموریت کسی را نمی‌توانند وادار به‌کار کرده و یا تنبیهی کنند چون خلاف قاعده «قبح عقاب بلا بیان» است و معنایش آن است که شارع و قانون‌گذار، رهبر و مدیر بدون اطلاع‌رسانی شفاف قوانین و تصمیمات به اطلاع مردم و سازمان، نمی‌تواند به‌دلیل تخلف از آن، کسی را مجازات کنند. آیه ۵۹ سوره

قصص را نیز می‌توان مؤید این قاعده دانست و آیات ۱۱۵ سوره توبه و ۱۵ سوره اسراء نیز به همین واقعیت اشاره می‌کنند.

البته در مدیریت خداوند اجباری نیست (ق: ۴۵) چون انسان را طوری خلق کرده که مختار باشد (شمس: ۸) و اجازه نمی‌دهد این اختیار نقض شود (ق: ۴۵) و اگر خواست الهی به اجبار بود همه مؤمن می‌شدند (یونس: ۹۹). تمام دستورات قرآن با همین سیاق است؛ یعنی ابتدا دستور داده و نتایج آن را مشخص می‌کند و یا بالعکس ابتدا علت و چرایی حکم را بیان می‌کند و آنگاه دستور و حکم را صادر می‌کند که فقط در این جا به یک نمونه اشاره می‌شود.

حضرت موسی (علیه‌السلام) به اذن و هدایت الهی به فرعون می‌گوید: آیا می‌خواهید راهی به شما نشان دهم که خود را پاک ساخته و به‌سوی پروردگارت هدایت شوی که نتیجه آن خشوع در مقابل آن باشد (نازعات: ۱۷) در جایی دیگر به موسی و هارون خطاب می‌کند با فرعون به نرمی سخن گویید که شاید متذکر شده و خشوع کند «فَقُولا لَهُ قَوْلاً لَيناً لَعَلَّهُ يتَذَكرُ أَوْ يخْشى» (طه: ۴۴) «يتَذَكرُ أَوْ يخْشى» دو فعلی است که انتظار است که بعد از برخورد حضرت موسی و هارون با فرعون انجام شود که هر دو به اختیار فرعون برمی‌شود یعنی او خودش انتخاب کند که هدایت شده و در مقابل خالق سر تعظیم آورد که فرعون تعصی را انتخاب کرده و طغیان می‌کند و مدعی پروردگاری می‌شود «ولی فرعون تکذیب و سرپیچی کرد» (نازعات: ۲۱).

بر همین سیاق مدیران و رهبران قرآنی نباید بلافاصله فرمان و دستور به چیزی دهند بلکه ابتدا باید آگاهی لازم به جامعه هدف داده شود تا آن‌ها نسبت به موضوع اقناع شوند. آنگاه آگاهانه انتخاب کرده و عمل کنند که نامه‌های پیامبر رحمت به سران کشورها و خطابه‌های ایشان قبل از غزوات (دشتی علی، ۱۳۸۸) و یا امیرالمؤمنین بهترین شاهد این مدعاست که نامه ۵۳ نهج‌البلاغه یکی از آن‌ها است.

ثانیاً قید وحیانی ناظر به فصل این سبک است یعنی این سبک با قید وحیانی بودن دانایی از سایر سبک‌ها جدا می‌سازد؛ قید وحیانی به این علت انتخاب شد که تنها کسی می‌تواند

برای آدمی دستور دهد که مالک حقیقی انسان است و از آن خداست (انا لله) بنابراین تنها حاکم جهان هستی خداست «إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ (أنعام: ۵۷ و یوسف: ۴۰) و یا کسانی که از او اجازه دارند یعنی پیامبران (حشر: ۷) که آن‌ها نیز این منصب را به جانشینان و ائمه (علیهم‌السلام) و نائبان یعنی ولی‌فقیه زمان انتقال داده‌اند (بحارالانوار، ج ۲: ۹۰). براساس این منطق تمام مدیران برای مشروعیت کارهایشان نیازمند اجازه ولی‌فقیه در زمان حاضر هستند و فلسفه تنفیذ حکم ریاست جمهوری نیز برهمین‌اساس است؛ (نور: ۶۲) یعنی با توجه به مقبولیت رئیس‌جمهور و انتخاب مردم، ولی‌فقیه اجازه حکمرانی در مقام ریاست جمهوری را به منتخب مردم می‌دهد تا آزادی مردم در انتخاب سرنوشت خود از یک طرف و مشروعیت ریاست جمهوری از طرف دیگر تأمین شود. نقش مردم و رأی دادن آن‌ها برای کاشفیت فرد ارجح است که ولی‌فقیه آن را تأیید می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۷۸،: ۹۷).

مثال قرآنی سبک دانایی وحیانی داستان برخورد حضرت موسی علیه‌السلام با فرعون برای نجات بنی‌اسرائیل است که دو سبک مدیریت را نشان می‌دهد که یکی وجهه الهی دارد و تحت نظارت خداوند شکل گرفته و هدایت می‌شود «قالَ لا تَخافا إِنَّنی مَعَکما أَسْمَعُ وَ أَری» فرمود: مترسید که من با شما- موسی و هارون- هستم، می‌شنوم و می‌بینم (طه: ۴۶) و دیگری سبکی است که با استخفاف و خوار کردن مردم، آن‌ها را به اطاعت وامی‌دارد «فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطاعُوهُ» (زخرف: ۵۴). در آیات متعددی رویارویی این دو سبک به تفصیل مانند طه و نازعات به اختصار بیان شده است. رویارویی و دعوت حضرت سلیمان از بلقیس جریانی دیگری است که می‌توان این تقابل سبک‌ها را دید و یا رویارویی که رسول خدا با سران قبائل و پادشاهان کشورهای مختلف داشته‌اند. براساس این تعریف مدیران قرآنی بر پایه مؤلفه دانایی، سوء تدبیر، تبذیر و زیاده روی، عبرت نگیری از حوادث و عذرخواهی از عملکردها را از عوامل شکست می‌داند «یسْتَدَلُّ عَلَی إِدْبَارِ الدُّوَلِ بِأَرْبَعٍ تَضْییعُ الْأُصُولِ وَ التَّمَسُّک بِالْغُرُورِ وَ تَقْدِیمُ الْأَرَاذِلِ وَ تَأْخِیرُ الْأَفَاضِلِ» (غررالحکم، ج ۶، ص ۴۵۰) و براساس مؤلفه وحیانه توجه به اصول اساسی، آخرت نگری، مقدم داشتن فرزانگان و متأخر داشتن فرومایگان را از عوامل موفقیت می‌شناسند (جوادی آملی، ۱۳۷۹: ۳۱۷).

۴-۷. سبک رقیب، سبک دانایی وحیانه

مقابل سبک مدیریت دانایی وحیانی سبک استبداد نفسانی قرار دارد؛ چراکه در سبک استبداد نفسانی مبنا خواست نفسانی است که مصداق آن در مثال بالا سبک رهبری و مدیریت فرعون است که می‌گوید من پروردگار بزرگ شما هستم (نازعات: ۲۴) و آنچه من گویم درست است (غافر: ۲۹) و همه باید در کارها از من اجازه بگیرند (طه: ۷۱) و بنابراین فرعون گفت من خدایی غیر خودم برای شما نمی‌شناسم (قصص: ۳۸). مدیران و رهبرانی که از سبک استبدادی نفسانی استفاده می‌کنند سعی می‌کنند قوه اختیار را بی‌خاصیت کرده یا او را به نفع خود با استفاده از ترفند تطمیع، تهدید، استخفاف و استسباع به‌کار گیرند؛ استسباع نوعی خودباختگی است؛ یعنی از دست دادن خود، از دست دادن روحیه و ازدست‌دادن اعتماد و ایمان به خودآگاهی یک جامعه در مقابل جامعه دیگر، خودش را می‌بازد و خودباخته می‌شود، مستسبَع می‌شود (مطهری، ۱۳۶۲، ۱۳۵). استسباع یا استخفاف همان تاکتیک فرعون در فریب مردم بود (زخرف: ۵۴) که در آن نیز از دانایی استفاده می‌کنند ولی اطلاعاتی که به مردم می‌دهند غلط است و آن‌ها را در خطای محاسباتی قرار می‌دهند تا چیزی را انتخاب کنند که مطابق میل و خواهش‌های نفسانی آن‌ها است.

مدیریت و ارائه اطلاعات غلط به شکل گسترده از طریق شبکه‌های گسترده رسانه‌ها و سلیبریتی‌ها و به‌کارگیری هوش مصنوعی در چینش اطلاعات روشی است که امروزه قدرت‌ها برای استضعاف و بهره‌کشی از مردم استفاده می‌کنند؛ با مدیریت اطلاعات، مردم اطلاعات فضای مجازی را باور کرده و براساس آن قضاوت می‌کنند و بر درستی آن پافشاری می‌کنند باورشان به صحت آن‌ها رفته و همان گزاره‌ها را در استدلال‌ها به‌کار می‌گیرند استدلال‌هایی که خروجی آن‌ها همان چیزی است که رهبران فاسد و قدرت‌های امپراتوری به دنبال آن هستند؛ این حربه‌ای است که قدرت‌ها و یا رهبران مستبد و قدرت‌طلب برای جامعه هدف ارائه می‌دهند و آن‌ها نیز بدون این‌که متوجه شوند دچار خطای محاسباتی شده و کارهایی انجام دهند که تنها خواسته آن‌ها تأمین شود.

استرهاب و ایجاد رعب و وحشت از طریق بزرگ‌نمایی رسانه‌ای جنایت‌های که مرتکب

می‌شوند؛ مانند کشتن فرزندان (قصص: ۴) و یا مظلوم‌نمایی رسانه‌ای که از جنایات نشان می‌دهند که امروزه در غزه و لبنان دیده می‌شود که رژیم صهیونیستی با امپراتوری رسانه‌ای که در اختیار دارد صحنه‌ها را طوری مدیریت می‌کنند و به نمایش می‌گذارند که چهره مظلوم از خود نشان دهند و قاتل را جای مقتول نشان دهند.

۴-۸. تمایز سبک مدیریت از منظر قرآن

سبک مدیریت از منظر قرآن هویتش مدیریت تبیینی با خاستگاه وحیانه است که در آن تأکید بر فهم و شناخت عوامل اثرگذار درونی و بیرونی کرده تا مدیر با فراست و شناخت کامل از موضوع بهترین و کاراترین سبک را انتخاب کند تا مؤثرتر باشد؛ خداوند متعال نیز وقتی پیامبران را برای هدایت امت‌ها مبعوث فرموده به جهت اقتضائات محیطی و شرایط جامعه از سبک‌ها و ابزارهای مختلف استفاده کرده است با این‌که سبک گفتمانی نرم در همه بوده ولی ابزارها متفاوت بوده گاهی شکستن بت‌ها (حضرت ابراهیم علیه‌السلام گاهی با شفای مریض‌ها (حضرت عیسی) گاهی با عصا و ید بیضا (حضرت موسی) و گاهی با کتاب قرآن (حضرت رسول) به مبارزه و ترویج دین الهی پرداخته‌اند به همان‌سان ائمه اطهار علیه‌السلام نیز در دوره‌ها متفاوت عمل کرده‌اند ولی همه از یک منطق پیروی می‌کردند ولی به جهت شرایط از سبک‌های مختلف استفاده می‌کردند؛ سبک امام حسن خاص آن دوران بوده و سبک امام حسین خاص دوران ایشان بوده است و هکذا بقیه ائمه به‌تناسب شرایط زمانشان بوده است و الان که این شرایط بررسی می‌شود همه اهل علم، منطق و سلیم‌النفس به صحت و درستی این سبک اذعان می‌دارند درواقع همه ائمه همسان یک انسانی می‌مانند که عمر ۲۵۰ ساله داشته‌اند که در عین این‌که از ثبات اعتقادی و ایمانی برخوردار بودند به جهت تغییر شرایط و اقتضائات متفاوت عمل می‌کردند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱). مثل پدری که برای مدیریت خانه گاهی امر و نهی می‌کند (سبک استبدادی) گاهی ارشاد می‌کند (سبک ارشادی) گاهی همراهی می‌کند (سبک همراهی) گاهی نصیحت می‌کند (سبک ناصحانه) گاهی سکوت می‌کند و گاهی تشر می‌زند و گاهی کوتاه می‌آید. هنر مدیر این خواهد بود که با تحریک

بخش اندیشه‌ای آنان در سیاقی که وحی تأیید کرده حرکت کند. تا حرکتش مقبول (دانایی) و مشروع (وحیانی) باشد.

اگر بخواهیم تفاوت‌ها و اشتراکات دو سبک را براساس عواملی که در روش پژوهش برشماری کردیم با توجه به یافته‌های قرآنی و گزاره‌های آن را در یک نگاه مورد توجه قرار دهیم، می‌توان در نمودار زیر مورد ملاحظه قرار داد.

سبک مدیریت	مرجع	هدف	مقصد	ابزار					جایگاه انسان	راهبرد	مصادیق	
دانایی وحیانه	وحی	رضایت الهی	آخرت	اقناع‌سازی	روشنگری	تشویق	تنذیر		کرامت انسانی	تکامل انسانی	موسوی	علوی
دانایی نفسانی	نفس	التذاذ نفسانی	دنیا	استخفاف	استرهاب	تطمیع	استسباع		انسان‌مداری	بهره‌کشی	فرعونی	اموی و هامانی

اجمال این تفاوت‌ها و امتیازات به‌صورت زیر خواهد بود:

۴-۹. مرجع سبک‌ها

خاستگاه سبک مدیریت دانایی وحیانه به وحی برمی‌شود که بر پایه ذاتیات انسان ارسال و ابلاغ شده و پیامبران و ائمه (علیهم‌السلام) نیز برای اجرای آن آمده‌اند تا بستر و زمینه لازم را برای شکوفایی ذاتیات انسان فراهم شود (بقره: ۴۶ و ۲۵۶) (انبیا: ۹۴)، (مومنون: ۶) همسان قطره آبی که از اقیانوس جدا شده و بعد طی مسیر پرتلاطم حوادث دوباره به آن برمی‌شود و در آن آرام می‌گیرد (انشقاق: ۶).

ولی خاستگاه سبک مدیریت در فرهنگ‌های دیگر به خواست انسانی و نفسانی او بر می‌شود، (أعراف: ۱۷۶) (کهف: ۲۸) (طه: ۱۶) (فرقان: ۴۳) (قصص: ۵۰) (جاثیة: ۲۳) و علت آن به دامنه علمشان برمی‌شود که منحصر در همین دنیای مادی کرده‌اند (نجم: ۳).

۴-۱۰. هدف و مقصد سبک مدیریت از منظر قرآن

هدف سبک مدیریت از منظر قرآن همان هدف از خلقت انسان و نزول کتاب‌های آسمانی

است که عبارت از رضایت الهی و دستیابی به اوج کمال انسانی است که با فنا شدن در حق همسان، فنا شدن قطره آب در اقیانوس به‌دست می‌آید و به آرامش اطمینان ذاتی دست می‌یابد (رحمن: ۲۶ و ۲۷ و حشر: ۲۵- ۳۰) و این مقصد و هدف غایی به‌دست نمی‌آید مگر از طریق خروج از ظلمات نفسانی و شکوفاسازی ذاتیات (ابراهیم: ۱) (بقره: ۲۵۸) در عرصه فردی و عدالت‌خواهی در عرصه‌های اجتماعی و سازمانی (النحل: ۷۶) که در سایه‌وار این دو استعدادهای نهانی انسان شکوفا شده و حقیقت آدمی ظهور یافته و محقق می‌شود. برخلاف سبک‌های مدیریت در فرهنگ غرب که به دنبال سود افزایی به هر شکل ممکن است، گرچه به پای آن هزاران انسان قربانی شود که نمونه عینی این را امروزه در تعامل ترامپ و نتانیاهو با مردم مظلوم و مقتدر غزه می‌بینیم. مقصد رسیدن به رضوان الهی و مقام فنای فی الله است (جوادی آملی، ۱۳۹۵) که جز با خلاصی از ابزار و قفس دنیا (بدن خاکی) در آخرت امکان‌پذیر نیست (حشر: ۲۵) ازاین‌رو به در این سبک به همه دنیا به‌عنوان ابزاری نگاه می‌کنند که این سفر را برای آدمی مهیا می‌کند و بنابراین در این سبک از متن مادیات، معنویات برمی‌خیزد و از همین دنیا بوده که پیامبران به مقام پیامبری رسیده و شهدا به مقام شهادت دست یافته‌اند و هیچ انسانی بدون ورود به دنیا نمی‌تواند به این مقصد برسد (مریم: ۷۱ و ۷۲) ولی در فرهنگ رقیب مقصد همین دنیاست و بنابراین به دنبال چیزهایی می‌گردند که خواست آن‌ها را تأمین کنند؛ ازاین‌رو ابتدا خواست خود را طرح و سپس آن را به قانون تبدیل می‌کنند.

۴-۱۱. ابزار سبک مدیریت از منظر قرآن

قرآن برای دستیابی به هدف در سازمان و شرکت‌ها و جوامع انسانی و حتی در عرصه‌های فردی اجازه نمی‌دهد از هر وسیله‌ای استفاده کنیم؛ به همان اندازه که هدف در این سبک مقدس است به همان اندازه ابزار نیز محدودیت و چهارچوب می‌پذیرد، وقتی در مقابل امیرالمؤمنین (ع) از زیرکی و کیاست معاویه سخن گفتند حضرت فرمود: به خدا سوگند، معاویه از من زیرک‌تر نیست؛ او پیمان‌شکنی و گنه‌کاری می‌کند. اگر پیمان‌شکنی را ناخوش نمی‌داشتم، من زیرک‌ترین مردم می‌بودم. ولی پیمان‌شکنان، گنه‌کارند و گنه‌کاران، نافرمان

هستند. هر پیمان‌شکنی را در روز قیامت پرچمی است که بدان شناخته شود. به خدا سوگند، مکر و خدعه مرا غافلگیر نکند و در سختی‌ها ناتوان نشوم (خطبه: ۲۰۰) و این ناشی از آموزه‌های قرآنی است که در سور مختلف بدان اشاره داشته است مانند آل‌عمران: ۱۰۱، نحل: ۱۲۱، مریم: ۳۶، مریم: ۴۳، الحج: ۲۴، یس: ۶۱، ص: ۲۲، الفتح: ۲، الزخرف: ۶۴، الزخرف: ۶۱ و النساء: ۸۲. از منظر این آیات ابزار اصلی مدیران در سبک مدیریتشان اقناع‌سازی، روشنگری، تشویق، تنذیر، اعتصام به حبل الهی، شکر نعمت، عبادت خدا، اطاعت الهی، کلام نیکو، عبادت خدا، هدایت الهی، قضاوت عادلانه، علم به قیامت و تبعیت از پیامبر رحمت صلی‌الله‌علیه‌و آله و آموزه‌های کتاب خدا و قرآن است.

ولی در سبک مدیریت رقیب یعنی استبداد نفسانی استخفاف (زخرف: ۵۴)، استرهاب (اعراف: ۱۱۶)، تطمیع (المدثر: ۱۵) ۰ المعارج: ۳۸)، استسباع است که توضیح آن‌ها گذشت و نیاز به تکرار ندارد.

۴-۱۲. راهبرد اصلی سبک مدیریت از منظر قرآن

راهبرد اصلی سبک مدیریت از منظر قرآن بر محور آینده‌بینی و آینده‌نگاری است که در سوره‌های مختلفی بدان اشاره شده است مانند (بقرة: ۲۲۳، مائدة: ۸۰، ص: ۶۰) ق: ۲۸ و حشر: ۱۸)؛ در این راهبرد باید آینده را به‌خوبی ترسیم کرد و همواره جلوی چشم مدیران باشد و برای رسیدن به آن تلاش کرد وقتی قرآن تأکید به این می‌کند که وقتی با کاری و کلامی، رفتاری، تصمیمی، برنامه‌ای و حتی غذایی مادی روبه‌رو می‌شوید (عبس: ۲۹) به تأثیرات آن بنگرید که چه تأثیری در روند زندگی شما و سازمان خواهد گذاشت (ابن بابویه، ۱۳۸۵) آیا آن‌ها شما را به افقی که پیش‌رویتان است، خواهد رساند یا نه؟ انتخاب هریک از آن‌ها باید بر میزان تأثیر مثبت آن‌ها در روند آینده باشد (حشر: ۱۸).

۴-۱۳. رمز موفقیت در راهبرد سبک مدیریت از منظر قرآن

رمز موفقیت در راهبرد سبک مدیریت از منظر قرآن تبعیت محض و خالصانه از خدا (بقره:

۱۵۴، ۱۹۰) (آل عمران: ۱۴۶، ۱۶۷، ۱۶۹) و رهبران و مدیرانی است که از ناحیه او تعیین شده‌اند (مائده: ۶۷) و این مسیر را طی کرده و بدان اشراف کامل دارند (حجرات: ۱، مجادلهٔ: ۱۲ و ۱۳) مانند مجاهدان در راه خدا (نساء: ۷۵، آل‌عمران: ۱۹۵، نساء: ۷۴، ۸۹،۹۴، ۱۰۰ و أنفال: ۶۰) در مقام تمثیل و تبیین به عملیاتی می‌مانند که نیروها در آن تابع محض فرمانده اطلاعات در نیروکشی برای تصرف اهداف دارند که هر نوع تخطی از او یا هواخواهی یا خودخواهی (حجر: ۴۲، نحل: ۱۰۰ و کهف: ۱۵) معلولیت جسمی یا حذف از حرکت با برخورد با مین دشمن خواهد داشت. در منطق قرآن این فرمانده و مدیر و رهبر آشنا به مسیر پیامبران، ائمه (علیهم‌السلام) و نائبان حقیقی آنان (ولی‌فقیه زمان) است (آل‌عمران: ۹، نساء: ۶۴، ۸۰ و محمد: ۲۱). مصداق مین دشمن در سازمان‌ها، کمین، تزیین‌ها و وسوسه‌های شیطانی و نفسانی است که به صورت‌های مختلفی به انسان هجوم می‌آورند و خلاف‌های او را زیبا نشان می‌دهند (أنعام: ۱۲۲، ۱۳۷، توبه: ۳۷، یونس: ۱۲، رعد: ۳۳ و حجر: ۳۹) و با انگیزه‌های کاذب، مانند شهوت‌رانی، زیادی پول، دستیابی به امکانات بهتر مثل ماشین و منزل و ... او را در کمین خطای محاسباتی انداخته و عقلش را اسیر نفسش می‌کند (ابن ابی الحدید: حکمت ۲۱۱) و به تخلف و خیانت می‌کشاند (أنعام: ۴۳، أنفال: ۴۸، حجر: ۳۹ و نحل: ۶۳).

راهبری سبک مدیریت در این راهبرد بر پایه استعدادهای ذاتی و اختیار انسان صورت می‌گیرد؛ به همان میزان که افراد راه درست را انتخاب کنند خداوند مسیر را برایشان باز کرده و سختی‌ها را آسان می‌کند (مریم: ۹۷) و با هدایت پاداشی آن‌ها را برای رسیدن به هدف یاری می‌کند (مریم: ۷۶) و از راهی که به تصورشان نمی‌رسد مشکلاتشان را حل‌وفصل می‌کند و راه خروج از آن‌ها را در مسیرشان قرار می‌دهد (طلاق: ۳، إبراهیم: ۴، نحل: ۸۹، اسراء: ۹، طه: ۱۲۳، نور: ۳۵، سجده: ۲۳، شوری: ۵۲).

۵. نتیجه‌گیری

از نگاه قرآن مدیران به جهت رویکرد به دو بخش عمده وحیانی و نفسانی تقسیم می‌شوند؛ یعنی به جهت هستی شناختی مدیران یا حسن فاعلی (خدا باوری و آخرت نگری) دارند و

یا این‌که حسن فاعلی ندارند (خودمحوری) ولی به جهت عملکرد هر دو می‌توانند سبکی انتخاب کنند که حسن فعلی داشته باشند و یا سبکی بردارند که از حسن فعلی برخوردار نباشند. بهترین وضعیت از نگاه قرآن داشتن حسن فاعلی و حسن فعلی است «وَ مَنْ یعْمَلْ مِنَ الصّالِحاتِ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلا یخافُ ظُلْماً وَ لا هَضْماً» و هرکس کارهای شایسته و ایمان داشته باشد از ستم کشیدن و زبون شدن نترسد (طه: ۱۱۲)؛ یعنی سبکی که در آن هم مدیر از ایمان و اعتقاد به خدا و آخرت برخوردار است (وَ هُوَ مُؤْمِن) و هم از روشی تبعیت می‌کند که در چهارچوب شریعت و دین اسلام است و بهترین نتایج را در بردارد (وَ مَنْ یعْمَلْ مِنَ الصّالِحاتِ) این معنی در آیات متعددی مانند نساء: ۱۲۴، نحل: ۹۷، انبیا: ۹۴، غافر: ۹۰ و اسراء: ۱۹ تکرار شده است.

خواست الهی بر این است که آدمی با قدرت انتخابی که به او داده شده است راه ایمان را انتخاب کند «لکنّ اللّهَ حَبّبَ إِلَیکمُ الْإِیمانَ» که هم فطرتش براساس آن نگارش یافته است (روم: ۳۰) وهم انگیزه و جاذبه لازم نیز به آن داده است و کفر و فسق و معصیت را زشت و منفور در نظرشان ساخته است «وَ زَینَهُ فِی قُلُوبِکمْ». (حجرات: ۷)؛ یعنی مشیت و خواست الهی بر این است که آدمی براساس دستورات و آموزه‌های الهی حرکت کند با این تفاوت که پیامبرش مستقیماً تابع وحی هستند که به او می‌شود (وحی انزالی) «وَ اتّبِعْ مَا یوحَی إِلَیک مِنْ رَبِّک (أحزاب: ۲) ولی پیروانش تابع وحی ابلاغی هستند که از ناحیه پیامبر و اهل‌بیت عصمت و طهارت ایشان بیان می‌شود (حشر: ۷) و تابع حکمی هستند که از ناحیه حضرت و ائمه معصومین علیهم‌السلام صادر شده است وَ مَا کانَ لِمُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَهٍ إِذَا قَضَی اللّهُ وَ رَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ یکونَ لَهُمُ الْخِیرَهُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَ مَنْ یعْصِ اللّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ ضَلّ ضَلَالًا مُبِینًا» هیچ مرد مؤمن و زن مؤمن را سزاوار نیست که وقتی خدا و رسولش امری را صادر فرمودند، باز هم در امور خود، خود را صاحب اختیار بدانند و هرکس خدا و رسولش را نافرمانی کند، به ضلالتی آشکار گمراه شده است (أحزاب: ۳۶).

سبک دانایی وحیانی سبکی است که از یک طرف ناظر به اختیار انسان است و از طرف دیگر ناظر بر آموزه‌های وحیانی است که در قرآن و سنت و سیره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله و

ائمه اطهار متجلی است.

ازاین‌رو مدیران مؤمن متعهد و متخصص، مدیریتشان در حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، فرهنگی و نظامی و علوم جدید از یک طرف مستدل به براهین عقلانی و از طرف دیگر مستند به آموزه‌های دینی و قرآنی باید باشد.

در این سبک کرامت انسانی اصل اولیه و اساسی است که به‌هیچ‌وجه تحت شعاع قرار نگرفته و نباید آسیب ببیند و اقناع‌سازی مهم‌ترین راهبردی است که در آن می‌تواند آدمی را تحت شعاع قرار دهد که به دو صورت انجام می‌گیرد.

روش اول ایجاد خطای شناختی و محاسباتی است که طواغیت برای سیطره دیگران استفاده می‌کنند و با استخفاف آن‌ها را وا می‌دارند تا گزینه‌های انتخاب کنند که مدنظر آن‌ها است و به مسیری هدایت کنند که ره‌آورد آن شقاوت دنیوی و اخروی است (قصص، ۴۱ و بقره: ۲۲۱).

روش دوم جهاد تبیین و بصیرت دهی است که در آن عرصه‌ها به‌درستی و شفاف گویا سازی می‌شود تا انتخاب‌ها با شناخت و اختیار آگاهانه صورت می‌گیرد و تبعیت‌ها بر مبنای شعور و شرع باشد (یوسف: ۱۰۸ و احزاب: ۳۶ و قصص: ۶۸).

وظایف مدیران در سبک مدیریت دانایی وحیانی اعم از تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت و رهبری و نظارت و کنترل همه در بستر شفاف دانایی صورت می‌گیرد که از یک استدلال علمی و عقلانی پشتیبانی می‌شوند و از طرف دیگر همه اقدامات مستند به آموزه‌های دینی و قرآنی هستند. به‌طوری‌که تصمیم‌گیری باید به‌موقع صورت گیرد و هرگونه تأخیر و تعجیل در آن موجب بی‌اثر شدن اثر آن می‌شود (نامه: ۵۳) تمام تصمیم‌ها باید بر مبنای علم و آگاهی صورت گیرد. با علم کار را شروع و با یقین اقدام کنند «إِذَا عَلِمْتُمْ فَاعْمَلُوا وَ إِذَا تَيَقَّنْتُمْ فَأَقْدِمُوا» (حکمت: ۲۷۴) در برنامه‌ریزی‌ها هدف، راهبرد و ابزار از مشروعیت لازم باید برخوردار باشد. هدف وسیله را توجیه می‌کند در این سبک کارایی ندارد؛ یعنی برای دستیابی به هدف نمی‌توان از هر وسیله‌ای استفاده کرد. بلکه تنها از وسایلی می‌توان بهره برد که مشروعیت دارد. رسیدن به خدا و بهشت برین تنها از راهبردی و ابزاری ممکن

است که شرع بدان توصیه کرده و انبیا و ائمه بدان پایبند بودند. سازمان‌دهی کارکنان و مدیران در سازمان براساس شایستگی‌ها و بایستگی و قابلیت‌ها صورت می‌گیرد و مسئولیت‌ها براساس توانمندی‌ها و قابلیت‌ها واگذار می‌شود و بعد از پذیرش آگاهانه مسئولیت‌ها با متخلفین به‌شدت برخورد می‌شود. با علم به این‌که انسان مهم‌ترین سرمایه سازمان است.

نظارت و کنترل ضمن تأکید بر خودکنترلی از تمام ظرفیت‌های علمی و فناوری برای نظارت دقیق‌تر، صحیح‌تر و جامع‌تر استفاده می‌شود تا قضاوت‌ها در بستر صحیح صورت گیرد. «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رَبِحَ وَ مَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِرَ» (الکافی، ج ۲، ص ۴۵۳) ازاین‌رو خود کارکنان مهم‌ترین عامل پاکدستی سازمان هستند که با نظام امر به معروف و نهی از منکر از آن حفاظت می‌کنند.

در سبک دانایی وحیانی مدیریت از درون است یعنی با زبان قلب حرف می‌زنند و در میدان همپای کارکنان هستند با آنان با زبان قلب سخن می‌گویند نه زبان نفس. زبان قلب زبان روشنگری، آگاه کردن و صمیمیت نشان دادن است. زبان نفس، زبان زور گفتن، تحمیل کردن و تهدید کردن و سبک کردن است. مدیر نفسانی وقتی می‌خواهد یک نفر را تحت فرمان خودش قرار بدهد، اول شخصیت او را خُرد می‌کند و بعد به او نصیحت می‌کند (زخرف: ۵۵). ولی یک مدیر روحانی وحیانی وقتی می‌خواهد گروهی را هدایت کند با قلب آن‌ها حرف می‌زند، اول به آن‌ها احترام و محبت می‌کند و بعد با او حرف می‌زند و آن‌ها را متقاعد می‌کند. (حائری شیرازی، ج ۱، ص ۹۷) «عَلَیک بِتَقْوَی اللّه وَ الْوَرَعِ وَ الاجْتِهَاد وَ صِدْقِ الْحَدِیثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَهْ وَ حُسْنِ الْخُلُقِ وَ حُسْنِ الْجِوَارِ وَ کونُوا دُعَاهً إِلَی أَنْفُسِکمْ بِغَیرِ أَلْسِنَتِکمْ وَ کونُوا زَیناً وَ لَا تَکونُوا شَیناً» ابو اسامه گوید: شنیدم امام صادق (ع) می‌فرمود: بر تو باد به تقوای خدا و ورع و کوشش و راستی گفتار و ادای امانت و حسن خلق و نیکی با همسایه و مردم را با غیر زبان بمذهب خود دعوت کنید (یعنی رفتار شما شیعیان باید طوری باشد که مخالفینتان بگرویدن مذهب شما مایل شوند) و زینت ما باشید و ننگ ما نباشید.

سبک مدیریت دانایی وحیانی از این جهت با تمام سبک‌های دیگر مدیریت تفاوت داشته و بر آن‌ها برتری دارد؛ چراکه مستند به وحی بوده و از طرُق علمی با پشتیبانی عقلانی رشد

و توسعه‌یافته و به‌کارگیری می‌شود و زبانشان، زبان قلب است. مهم‌ترین عنصری که در این سبک مورد توجه قرار می‌گیرد بخش دانایی آدمی است که با صبغه الهی، جهت‌مند و گسترش می‌یابد و راهبردهای آن نیز به تناظر مقتضیات برای تغییر مقتضیات انتخاب می‌شود؛ نه این‌که از مقتضیات و شرایط برای بهره‌برداری بیشتر استفاده می‌شود بلکه راهبرد به‌تناسب و متناظر شرایط برای غلبه بر آن انتخاب می‌شود و هر نوع اقدام در ابعاد مختلف مدیریت اعم از تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، سازماندِهی، هدایت و رهبری و نظارت و کنترل و.... باید بر پایه نصی از قرآن یا مستند به الگوهای رفتاری رهبران و مدیرانی باشد که قرآن عملکرد آن‌ها را تأیید کرده و یا این‌که در طول تاریخ توسط ائمه علیهم‌السلام و نواب خاص و عام آن‌ها مورد تأیید واقع شده‌اند که در زمانی که این وجیزه نوشته می‌شود باید در نظام‌نامه فکری و مدیریتی امام خمینی و امام خامنه‌ای قرار گیرد. عرصه انقلاب اسلامی را باید تجلی رشحاتی از این سبک دانست که ان‌شاءالله زمینه را آماده می‌کند تا فضای ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم شود. صحنه‌ای که این سبک به امامت و مدیریت حضرت به تمامه و کماله ساری و جاری خواهد شد.

فهرست منابع

ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ ق). ***شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید*** – قم.

ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶). ***الأمالی (للصدوق)*** – تهران، چاپ: ششم.

امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳). ***دوران جدید عالم***، نشر انقلاب اسلامی، تهران چاپ دوم.

امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۸). ***انسان ۲۵۰ ساله***، ناشر مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی، قم.

امام خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱). ***دوران جدید عالم***، انتشارات انقلاب اسلامی، تهران.

امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۵). ***تقریرات فلسفه امام خمینی***، ج ۳، ص ۴۳-۴۴، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸). ***آداب الصلاة***، ص ۶۶، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

آمدی، عبدالواحد (۱۹۴۵). ***غررالحکم و دررالحکم***، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.

بابائی طلاتپه، محمدباقر (۱۳۸۴). ***مبانی راهبرد فرهنگی از دیدگاه امام علی*** (ع)، دانشگاه امام حسین(ع)، تهران.

بابائی طلاتپه، محمدباقر (۱۳۸۵). ***رمز موفقیت در تحقیق***، انتشارات فکر بکر چاپ دوم، تهران.

بابائی طلاتپه، محمدباقر (۱۳۹۱). ***مهندسی مدیریت در فرهنگ علوی***، دانشگاه امام حسین علیه‌السلام، تهران، ویرایش دوم چاپ سوم.

بابائی طلاتپه، محمدباقر (۱۳۹۹). ***الگوی مدیریت راهبردی مبتنی بر سوره یوسف*** علیه‌السلام، فصلنامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال هجدهم، شماره ۸۲، زمستان.

بابائی طلاتپه، محمدباقر (۱۴۰۳). ***اصول راهبردی حاکم بر مکتب سلیمانی***، فصلنامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال هشتم، شماره ۳۰، تابستان.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۲۲). ***صحیح البخاری***، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، بیروت، دار طوق النجاة، چاپ اول.

بهبهانی وحید، محمد باقر بن محمد اکمل (۱۴۲۶ ق). حاشیة الوافی – قم، چاپ: اول.

پورعزت، علی اصغر (۱۳۹۰). ***مدیریت از دیدگاه امام علی*** (ع). تهران: انتشارات سمت.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۹). ***کرامت در قرآن***، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ سوم.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۸). ***بنیان مرصوص امام خمینی در بیان و بنان***، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). ***تفسیر انسان به انسان***، قم، مرکز نشر اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲). ***عقل در هندسه معرفت دینی***، انتشارات اسراء، قم.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). ***تفسیر موضوعی قرآن کریم***، سیرت الهی انسان در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء.

حجتی، سید محمدباقر (۱۳۹۵). ***مبانی اساسی مدیریت از دیدگاه اسلام***. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

حکیمی، عبدالمومن (۱۴۰۳). ***عقلانیتِ وحیانی در فرایند تصمیم‌گیری؛ با تمرکز بر اندیشه علامه جوادی آملی***، دو فصلنامه پژوهشی معارج، پاییز و زمستان ۱۴۰۳.

دشتی، علی (۱۳۸۸). ***نامه‌های پیامبر*** صلی‌الله‌علیه‌وآله، فصلنامه گسترش اسلام، پرتال جامع علوم و معارف قرآن.

سلیمی، عبدالحکیم (۱۳۹۴). ***درس‌نامه حقوق بشر از دیدگاه اسلام***، قم، مرکز نشر المصطفی(ص)

طالب پور، مهدی (۱۳۹۰). ***مقایسه تطبیقی مبانی مدیریت در اسلام و مدیریت سکولار***، نشریه پژوهش‌های مدیریت عمومی، دوره: ۴، شماره ۱۳.

طباطبائی، محمد حسین (۱۳۶۱). ***اندیشه‌های بنیاد اسلامی***، مرکز نشر دانشگاهی، تهران.

طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۸). ***ترجمه تفسیر المیزان***، ۲۰ جلد، دفتر انتشارات اسلامی.

عباسی، ولی‌الله (۱۳۸۶). ***کرامت انسان و آزادی***، در مجموعه مقالات کرامت انسان در قرآن و سنت، ج ۲، تهران، چاپ و نشر عروج، چاپ اول.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق.). ***الکافی (ط - الإسلامیة)***، تهران، چاپ: چهارم.

متن کامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۸). تهران، الهدی، چاپ اول.

مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق). ***بحار الأنوار***، ناشر: دار إحیاء التراث العربی، بیروت.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۵). ***جامعه‌شناسی معرفت***. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

مطهری، مرتضی (۱۳۶۲). ***آینده انقلاب اسلامی ایران***، صدرا، تهران.

میرسلیم، سیدمصطفی (۱۴۰۱). ***مبانی مدیریت اسلامی***، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۵). ***روش‌شناسی استنباط فقهی***، پایان‌نامه، مرکز مدیریت حوزه علمیه خراسان.

واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۹). ***ماهیت‌شناسی الگوهای اجتهادی***، فصلنامه علمی پژوهشی جستارهای فقهی و اصولی، شماره ۱۹.

هاشمی خویی، میرزا حبیب الله (۱۴۰۰). ***منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (خوئی)***، تهران، چاپ: چهارم.

References

Ahmad, K., (2009). *An Islamic Model of Leadership: The Leader as a Shepherd*, Humanomics.

Bazil Cunningham, (2019). *Discussion on the Differences between U.S and Brendan Geoffrey Kelly, intelligence: Where We Were, Where We Are, & Where We're Going Paperback*, amazon book clubs

Betsch, T., & Haberstroh, S. (2023). *The Psychology of Decision Making in Organizations: Current Trends and Future Directions*. Organizational Behavior and Human Decision Processes, 176, 104-122.

Chinese, (2019). *Management Styles*, Pepperdine University, bazil.cunningham, Global Tides

Clifford Chi ،(2021). *Management Styles to Strive For and 4 to Avoid*, published Manage cookies

Gigerenzer, G., & Garcia-Retamero, R. (2024). *Ecological Rationality in Organizational Decision Making*. Psychological Review, 131(1), 89-112.

Ivan Andreev, (2023). *Demand Generation & Capture Strategist*, LinkedIn

Julia Martins, (2023). *types of management styles and when to use them*, published asana https://www.cliffordchi.com/

Kahneman, D., & Tversky, A. (2023). *Advances in Behavioral Decision Theory*. Journal of Economic Literature, 61(2), 345-389.

Klein, G., & Wright, C. (2022). "*Decision Making in Organizations: A Predictive Processing Perspective*." Academy of Management Review, 47(3), 432-450.

Md. Abu Issa Gazi, (2020). *Islamic Perspective of Leadership in Management; Foundation,, Traits and Principles*, International Journal of Management and Accounting

Sam Chia Khong & others, (2022). *TOPLESS promotes plant immunity by repressing auxin signaling and is targeted by the fungal effector Naked1*, Journal Plant Communications, Volume 3, Issue 2, Publisher Elsevier.